



ارگان مرکزی حزب توده ایران

تک شماره ۱۵ ریال

دوران تاریخی ما و سمت عمده مبارزه

خطر مکنون را بدرستی و بموقع ببینیم و بشکل موثر با آن مبارزه کنیم!

به آن نمی‌توانند و نباید لایق و بیطرف بمانند.

هواداران تئوری «سه‌جهان» ساخت رهبری مائوئیستی چین - صرف نظر از اینکه این هواداری تاجه اندازه جدی و صادقانه است - دعوی می‌کنند که گویا «دوایر قدرت» شوروی و آمریکا عین هم هستند، منتها یکی امپریالیستی است و دیگری «سوسیال» امپریالیستی، و رقابت آنها، رقابتی است بر سر سیطره‌یابی بر جهان، و در این میان، چون شوروی یک ابر بقیه در صفحه ۲

سیستم سرمایه‌داری جهانی (و در مرکز آن ایالات متحده آمریکا)، لذا مبارزه‌ای که اکنون بین اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و ایالات متحده آمریکا می‌گذرد، مبارزه «دوایر قدرت صنعتی» همانند نیست که خلق‌های کوچکی مانند ما، هر دو قطب این مبارزه را هم‌تا و هم‌ارز تلقی کنند و نسبت بدان لایق باشند. این مبارزه‌ایست که در آن تناقض اساسی جامعه بشری، تناقض کار و سرمایه، تناقض بهره‌کشان و بهره‌دهان، تناقض عدالت و ظلم منعکس شده و خلق‌ها

فرد از فرد و خلق از خلق، به نظام سوسیالیستی است، یعنی نظامی که پایه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی این بهره‌کشی را بتدریج می‌زداید و جوامع انسانی را از جنگبار و تناقضات مختلف می‌رهاند و برای مبدل شدن به یک جامعه جهانی متحد و برادر آماده می‌سازد. مسئله مرکزی دوران، در نتیجه خصیصه اساسی اش، بناچار عبارت میشود از نبرد دو سیستم سوسیالیسم و سرمایه‌داری، یعنی: بین سیستم سوسیالیستی جهانی (و در مرکز آن اتحاد جماهیر شوروی)

برای پی بردن به واقعیت رویدادهای کشور ما، باید دو محور مهم مشخصات دوران معاصر تاریخی و مشخصات مرحله کنونی انقلاب ایران را در نظر گرفت. هر تحلیلی، هر دیدی، که از فراسوی این دو محور، به رویدادها بنگرد، واقعیت آنها را نخواهد فهمید، در سطح خواهد غلطید، بود و نموده، سرشت و پدیدم را مخلوط خواهد کرد. خصیصه اساسی دوران کنونی انتقال تدریجی جامعه بشری از نظام سرمایه - داری، آخرین نظام مبتنی بر بهره‌کشی

آقای دکتر کریم سنجابی!

با انکار حقیقت نمی‌توان اعتبار سیاسی کسب کرد!

توانسته‌اند، پرچم حزب توده ایران را، پرچم مبارزه در راه آزادی، استقلال، رفاه زحمتکشان و پیشرفت جامعه ما را تا امروز برافراشته نگه دارند، پشتوانه مبارزه تنها چند نفر از رهبران، ۲۲۰ سال زندان است. این حجت تاریخ است و نه آقای دکتر سنجابی و نه هیچ کس دیگری نمیتواند منکر آن شود.

ایران را، در سخنرانی ۴ شنبه بعد از ظهر خویش، در کلوب جبهه ملی، با وجود خود رساند و بکلی منکر فعالیت و پیکار حزب توده ایران در مبارزه علیه رژیم شاه مخلوع شد و از دبیر اول کمیته مرکزی حزب ما سؤال کرد: «آقای کیا نوری، وقتی انقلاب آغاز شد، شما کجا بودید... و برای انقلاب تا حالا چه کردید؟»

آقای دکتر کریم سنجابی، رهبر جبهه ملی ایران، که یکی از رجال با سابقه صحنه سیاست ایران است، اخیراً در «گفتگوی اختصاصی با خبرنگار سیاسی روزنامه اطلاعات»، کوشید فعالیت جبهه ملی ایران را که «بزع گروهی بعد از کودتای ۲۸ مرداد، اگر نکویند کاملاً متوقف شده بود، ولی بدلیل شرایط خاص سیاسی به سکوت و انزوا و کم‌کاری کشیده شده است»، تشریح کند و به «نسل تازه وارد این ۲۵ سال، که از فعالیتهای گذشته آن بسیار میشود»، اطلاعات بدهد.

البته اگر این سؤال را رهبران گروه‌های چپ رو و چپ نما و یا کسانی که سن آنها اقتضاء اظهار نظر تاریخی نمیکند، به پیش میکشیدند، جای شکفتی نمیبود. ولی آقای دکتر کریم سنجابی، که از بدو تاسیس حزب توده ایران در ۳۸ سال قبل، با مبارزات خونین حزب توده ایران و هجوم ارتجاع و امپریالیسم علیه آن آشناست، چرا چشم روی حقیقت می‌بندد؟

این سؤال را در جلی به پیش میکشد که در تمام دوران رژیم شاه خائن، برخلاف رهبران حزب ما، از مزایای زندگی در ایران برخوردار بوده، و در زمانی که ایشان، حتی در روزهای آخر زندگی شاه مخلوع در ایران، «به حضور شاهنشاه آریه‌شهر بازمی‌یافتند»، رهبران حزب ما، در چند هزار کیلومتری شاه مخلوع، از توسطه‌های او و دستگاہ جاسوسی‌ها، آنگاه و سیه در امان نبوده‌اند.

(اطلاعات چهارشنبه ۹ خرداد ۱۳۵۸) آقای دکتر سنجابی در این گفتگو از آخرین بار یابی خویش در روزهای آخر رژیم شاه مخلوع در تهران هم سخن گفت. متأسفانه آقای دکتر سنجابی، در این گفتگو، که هدفش «مطلع کردن نسل بی اطلاع از مبارزات جبهه ملی ایران» بود، به اتهام و دشنام علیه حزب توده ایران نیز دست زد. آقای دکتر سنجابی این روش نامعقول نفی مبارزات حزب توده

دعوت عام

حزب توده ایران

از همه رفقای حزبی، همه هواداران حزب و همه افراد مترقی و ضد امپریالیست برای شرکت در راهپیمایی بمناسبت سالگرد «پانزدهم خرداد ۱۳۴۲»

حزب توده ایران، از همه رفقای حزبی، همه هواداران حزب، همه افراد مترقی و ضد امپریالیست دعوت میکند در مراسم راهپیمایی بزرگی که بیاد روز تاریخی پانزدهم خرداد انجام میگردد، همراه دیگر گروههای سیاسی شرکت جویند.

ارزیابی ما در مورد جنبش ضد استعماری و ضد استبدادی و خلقی ۱۵ خرداد ۱۳۴۴، از همان روز وقوع حادثه، بشهادت اسناد و مدارک متعدد روشن است. دشمنان و مخالفان حزب ما میکوشند به حزب ما افترا بزنند و چنین جلوه دهند که گویا حزب توده ایران جنبش ضد استبدادی و ضد استعماری پانزدهم خرداد ۱۳۴۴ را، که تحت رهبری امام خمینی صورت گرفته، در موقع خود تخطئه کرده و آنرا یک حادثه «ارتجاعی» دانسته است.

روزنامه «مردم» ارگان مرکزی حزب، در ضمیمه خاص مورخ شنبه ۱۳ خرداد ماه ۱۳۵۸ تحت عنوان «حزب توده ایران و جنبش ۱۵ خرداد ۱۳۴۴» اسناد سخن میگویند، فوکوی مقالات متعدد منتشر در روزنامه «مردم»، مورخ اول تیر ماه ۱۳۴۴، پانزده خرداد ۱۳۴۴، پانزده آذرماه ۱۳۴۴ و مجلات دنیا مورخ بهار ۱۳۴۳ و بهار ۱۳۴۴، پانزدهم خرداد ۱۳۴۴ و در پشتیبانی از امام خمینی تکثیر کرده است. اینها اسناد کوبنده است که افراگوبان را بشما به عناصر مغرض و بی مسئولیتی که از هیچ دروغ بزرگ پروا ندارند، برناملیند. ما از خوانندگان گرامی مصرأ خواستاریم که این ضمیمه را، که در مقیاس وسیع پخش شده است، بدست آورند و بخوانند و به گوشه‌ای از بهتانهای گستاخانه دشمنان و مخالفان حزب ما پی ببرند.

از آنجا که ضد انقلاب در پرده و بی‌پرده میکوشد تا در مقابل رهبری قاطع امام خمینی صفبندی کند و این رهبری را تضعیف و منفرد نماید، و از آنجا که به عقیده رأسخ حزب ما، تقویت این رهبری ضد امپریالیستی و خلقی، در شرایط کنونی، ضرورتی است انکار ناپذیر، لذا حزب ما تصمیم گرفته است که بجای دست زدن به راهپیمائی جداگانه، با شرکت در راهپیمائی دعوت شده از جانب گروههای اسلامی، همبستگی خود را با نیروان مشی انقلابی امام خمینی متجلی سازد.

بقیه در صفحه ۵

آیا فقط کسانی که

شکنجه و کشتار کرده‌اند، مجرم‌اند؟

های بیشتر در حق مردم ما دست زده‌است. خیانت و جنایت رژیم پیشین در حق مردم تنها شکنجه و آدمکشی و امحاء آزادی و تحمیل استبداد نیست، بلکه تبعیت از امپریالیسم، محو استقلال کشور، غارتگری بقیه در صفحه ۵

این روزها سخن از عملکرد دادگاههای انقلاب فراوان است، موافقان و مخالف در این باره نظر می‌دهند. موافقان این دادگاهها را ستون فقرات انقلاب می‌دانند، که در استواری انقلاب و ادامه راه آن نقش اساسی ایفا می‌کنند. اینان عمل دادگاهها را می‌ستایند و از آنسان سرعت عمل بیشتر و قاطعیت بیشتر می‌خواهند. اما مخالفان، که عمل قاطع این دادگاهها یا موافق مصالح طبقاتی شان نیست و یا بطبع محافظه کارشان جور در نمی‌آید، درباره دادگاهها ابراز نگرانی می‌کنند، از «تندروی» آنها سخن می‌گویند و دمامد مسئله عفو عمومی را پیش می‌کشند. امپریالیسم و ارتجاع نیز در این میان، برای بیرون کشیدن عوامل خود از زیر ضربه انقلاب و جلوگیری از اجرای عدالت انقلابی، خود را در میان صفوف مخالفان جازده و دادگاههای انقلاب را به اشکال و شیوه‌های گوناگون تخطئه می‌کنند.

- رویدادهای ایران
- پرفسور مکری: ایران غیر متعهد خواستار همزیستی مسالمت آمیز و روابط دوستانه با همه دول است
- از مداخله در امور دولت، چه کسی و چرا ناراضی است
- زحمتکشان نمیتوانند قسط و امها را بپردازند
- کاخ‌های خاندان پهلوی باید برای خدمت به مردم مورد استفاده قرار گیرد
- خائن به خلق با هشجاری پاسداران دستگیر شد
- عکس شاه مخلوع روی شیشه بانکها

واقعیت آنست که یک رژیم دست نشانده امپریالیسم، در شکل نظام استبداد سلطنتی، مدت ۲۵ سال بر همین ماحکومت کرده و بخاطر حفظ خود و تأمین منافع امپریالیسم غارتگر، به جنایتها و خهانت

توطئه امپریالیسم به نام «دفاع از حقوق خلقهای ایران»

باید افشاء و سرکوب شود

زمن‌مهائی که از چندین پیش در باره فعالیت ینهائی ضد انقلاب در خوزستان شنیده میشد، سرانجام زیر عنوان «مساله خلق عرب» واقعیت خود را نشان داد. خرمشهر به دست عمال امپریالیسم و ارتجاع به میدان جنگی مبدل شد، که طی آن دهها نفر از مردم وطن ما شهید و مجروح شدند. امپریالیسم که از انقلاب مشروطیت تا کودتای ۲۸ مرداد، به شیوه‌های گوناگون از عشایر برای سرکوب جنبش ضد

بقیه در صفحه ۶

با شرکت وسیع در مراسم یادبود ۱۵ خرداد، از انقلاب ایران دفاع کنیم و اراده خلق را بر ضد امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم آمریکا، متجلی سازیم

«مردم» و شما

رویدادهای ایران

پرفسور مگری: ایران غیرمتعهد خواستار همزیستی مسالمت آمیزی و روابط دوستانه با همه دول است

هنوز پیش از چند شماره‌ای از «مردم» انتشار نیافته که مردمی که آن را متعلق به خود می‌دانند، به آدرس ما نامه‌های متعددی می‌فرستند، نظریات اصلاحی، انتقادی و پیشنهادهای خود را می‌نویسند پرسش‌هایی را مطرح می‌کنند و سه مقاله‌ای و شمارگی ارسال می‌دارند.

«مردم» مال شماست و بدیهی است که پس از این نخستین شماره‌های دوره جدیدش، ستون‌های نوین متعلق به خوانندگان را باز کند، از این پس در ستون «مردم» شما، ما نوشته‌ها و نظریات شما را منعکس می‌کنیم و در ستون «پرسش‌ها و پاسخ‌ها» به سئوالات شما به‌طور خلاصه پاسخ می‌دهیم.

درخواست ما اینست که: مقالات و نظریات خود را تا حد امکان کوتاه بنویسید. نوشته‌ها بر روی یک طرف کاغذ باشد. اگر میل ندارید نام شما در روزنامه قید شود حتماً در نامه متذکر شوید. اخباری را که می‌فرستید، جدا از مطالب و نظریات بنویسید، زیرا در ستون‌های جداگانه منعکس خواهد شد.

به همت تحریریه اجازه دهید که حق کوتاه کردن مطالب وارده و یا انتخاب اشعار واصله و غیره را داشته باشد.

علاوه بر ارسال نامه به وسیله پست اگر میل دارید می‌توانید مستقیماً نامه‌های خود را به دفتر روزنامه در تهران، خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ در صندوق ویژه کنار در ورودی بیا نوازید.

دوران تاریخی...

بقیه از صفحه ۱

قدرت د سوسیال «است، یعنی باوژه سوسیالیسم بازی می‌کند، لذا از ابرقدرت سرمایه‌داری خطرناکتر است! علاوه بر آن شوروی دولتی است جوان و مهاجم و برعکس آمریکا دولتی پیر و در حال دفاع است، لذا خطر شوروی نسبت به رقیب ده‌چندان می‌شود!

ملاحظه کنید چگونه باجم و خم‌الفاظ، تمام مسیر تاریخ انسانی، که به انقلاب کبیر اکبر و پیدایش نخستین کشور سوسیالیستی جهان و سپس به پیروزی این نخستین کشور سوسیالیستی در تبری خونیاری علیه ددفاشیسم گردید و به پیدایش جامعه کشورهای سوسیالیستی (و از آنجمله رهایی خودچین از چنگ امپریالیسم) منجر شد، بیرحمانه مورد مغلظه سرایب زیان بخش قرار می‌گیرد و با امپریالیسم بربر صفت آمریکا، جبه «فروتی» و «دفاعی» پوشانده می‌شود و کینه‌ها علیه اتحاد شوروی، که اهم محرک روند انقلابی جهانی و مورد بغض بی‌پایان سرمایه‌داری جهانی است، تحریک می‌گردد. ماتردیدی نداریم که زمانی، انقلابیون چین این مغلظه‌نفت-انگیز و ضد بشری را باخشم تمام دفن خواهند کرد و ماهیت عمیق توطئه گرانه آنرا بر ملا خواهند ساخت.

نه تئوری «دو ابر قدرت» و نه تئوری سه جهان (که دومی شکل افراطی اولی است) هیچ‌کدام منعکس کننده واقعیت تاریخی زمان ما نیستند. کوچکترین وجه مشببی بین آمریکا (که در دست انحصارهای بزرگ سرمایه‌داری است و سیاست جنگ، تسلیحات، نواستعمار و فاشیسم را در دنیا دنبال می‌کند) و اتحاد شوروی (که در آن همه ثروت متعلق به خلق است و سیاست صلح، خلق-سلاح، پشتیبانی از جنبش‌های انقلابی و رهایی بخش و دفاع از دموکراسی و حاکمیت توده‌ها را دنبال می‌کند) وجود ندارد. نه فقط کوچکترین وجه مشببی وجود ندارد، بلکه چنانکه همگی به‌رای‌الین می‌بینیم این دو کشور در مقابل هم ایستاده‌اند و دو قطب متناقض جهان ما هستند.

تناقض بر سر آن نیست که گویا اتحاد شوروی، دچار این پندار چون آمیز و احقانه است که می‌تواند آمریکا را «بزند» و خودش بجای او «آقای» جهان شود. حکومت شوروی عاقل‌تر، مجرب‌تر،

سفر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد شوروی، برای آشنائی با این کشور و توضیح اهداف و مواضع انقلاب دولت ایران، وارد جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان شد. وی در باکو بارهبران این جمهوری و همچنین با ایرانیان مقیم این منطقه آشنا شد و به گفتگو نشست. وی گفت که دولت جدید ایران غیر متعهد و تا وابسته به شرق و غرب بوده و خواستار آنست که با تمام دول و ملل جهان بر اساس اصول همزیستی مسالمت آمیز روابط دوستانه داشته باشد. وی یادآوری کرد که «برخی از عوامل امپریالیسم در ایران نقشه تجزیه طلبی ساز کرده و با تظاهر به چپ نمائی قصد اخلال در روابط ایران و شوروی را دارند و انتظار اینست که رهبران شوروی با آگاهی کامل اینگونه فعالیت را مورد توجه قرار دهند».

آقای مگری بدرستی متشاء اینگونه توطئه‌ها را در وجود امپریالیسم و عوامل آن دیده و بدرستی تظاهر به چپ نمائی را فاش ساخته و آنچه را که زیر نقاب پنهان‌اند، خاطر نشان نموده است.

افکار عمومی اتحاد شوروی، همانطور که از نوشته‌های مطبوعات آن کشور برمی‌آید، خود بروشنی بر این دسیسه‌های امپریالیستی آگاهند و همین اخیراً بود که رسانه‌های گروهی آن کشور نقشه‌های تجزیه طلبی را به‌سر نام و لباسی که عرضه شود، به‌مثابه یک توطئه و حرکت خطرناک امپریالیسم ضد انقلاب فاش کردند، که در شماره‌های قبلی «مردم» نیز منعکس شده است.

بنا به خبری که مقامات سفارت ایران در مسکو پخش کرده‌اند، رهبران آذربایجان شوروی نیز در دیدار با آقای مگری با ستایش از رهبری قاطعانه انقلاب ایران به‌وسیله امام خمینی، اظهار داشته‌اند که با علاقه کامل مراحل مختلف انقلاب ایران را دنبال می‌کنند و اطمینان می‌دهند که هیچ‌گونه مداخله‌ای از طرف شوروی در امور داخلی ایران بعمل نمی‌آید. به‌علاوه مقامات علمی و فرهنگی آذربایجان شوروی ضمن ملاقات با سفیر جمهوری اسلامی ایران، بکسرتش روابط فرهنگی با ایران و توسعه مبادلات علمی با ایران ابراز علاقه فراوان کردند.

روزنامه‌ها خبر می‌دهند که ایرانیان مقیم باکو نیز با تشکیل تظاهرات وسیعی از جمهوری اسلامی ایران حمایت نموده، تجزیه طلبی و تروریسم و دخالت امپریالیسم و صهیونیسم را در امور داخلی ایران محکوم کردند. در این تظاهرات تصاویری از شاه مخلوع، که سیاست و حکومت استبدادش خود موجب مهاجرت عده کثیری از ایرانیان شده بود، با تیش کشیده شد.

از مداخله در او، دولت، چه کسی و چرا ناراضی است؟

آقای متین دفتری در روزهای گذشته، نامه‌ای خطاب به امام خمینی نوشته و در آن به نقاط ضعف و اشتباهات رویدادهای اشاره کرده است که از هر نظر قابل بررسی و پاسخ است. این بررسی و پاسخ به زمانی بهتر و بیشتر نیاز دارد، اما در نگاه، حتی گذرا، مسائلی در این نامه عنوان شده است که در حدی مختص اشاره به آن در این لحظات سرنوشت ساز مملکت حیاتی است. آقای متین دفتری در این نامه، با اشاره به گفته‌های گذشته امام خمینی و اینکه ایشان گفته‌اند روحانیت در سیاست مداخله ننهوانند کرد، اشاره به چند نوع مداخله ایشان در قدرت دولت کرده‌اند که جوهر اصلی همه آنها اینست که: چنانچه گذراند دولت راساً کارکنند و چرا تمام قدرت در دست دولت متمرکز نمی‌شود. آقای متین دفتری اشاره به قطع رابطه ایران با مصر کرده‌اند - البته با تاکید بر اینکه

دست نخواهند داشت و واقعیات عظیم و مسلم و عیان، ظریف‌ترین سفسطه‌ها و افتراءات را در هم خورد خواهد کرد. بازگردیم بر سر مطلب، سخن در اطراف خصیصه اساسی دوران تاریخی کنونی بود. گفتیم که خصیصه اساسی دوران کنونی، انتقال تدریجی جامعه بشری از نظام سرمایه‌داری به نظام سوسیالیستی است و مسئله مرکزی در این دوران، نبرد بی‌امانی است که مابین دو سیستم سوسیالیسم (دور مرکز آن اتحاد شوروی) و سرمایه‌داری (دور مرکز آن آمریکا) در گرفته است. یکی از ویژگیهای زمانی که ما اکنون طی می‌کنیم، بویژه از آغاز سالهای هفتاد سده بیستم میلادی، عبارت است از تغییر تناسب نیروها، بزبان امپریالیسم و پسود سوسیالیسم، اگر طی ۲۵ سال پس از جنگ جهانی، این تناسب بطور عمده پسود امپریالیسم جهانی بود و امپریالیسم با بهره‌جویی از این تناسب، اراده‌آسارت‌گرانه و غارتگرانه خود را در عرصه‌مهمی از «جهان سوم» تحمیل می‌کرد، اینک این وضع دگرگون شده است. کسی که این واقعیت را فهمیده، چیزی از آنچه که در دنیا می‌گذرد، چیزی از آنچه که در کشور ما زوی داده، نفهمیده است. انقلاب ایران، با همه اصالت خلقی و ایهت حماسی آن، در صورتیکه تناسب نیروها طوری دگرگون نشده بود که جلوی صدور علنی ضدانقلاب را بگیرد، هم‌برای پیروزی خود در زمینه طرد رژیم استبداد پلیسی-نظامی شاه مخلوع، هم‌برای حفظ خود، با سد های عبور فایزیری روبرو می‌گردند. انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی ما در شرایط مساعد بین‌المللی

مفشانند نور و سک عوعو کند هر کسی بر سیرت خود می‌تند اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در کوره راه معوج سرمایه‌داران سلطه‌جو و نژادگرا گام نخواهد نهاد، بلکه راهش شاهراه بزرگ انسانی و مدنی تاریخ است. اگر دشمنان و مغلظه‌گران اینرا نمی‌فهمند، حزب و دولت شوروی اینرا خوب می‌فهمند و به‌همین این آئین بزرگ تاریخی عمل می‌کنند، لذا مدعیان «وابر قدرت» و «سه‌جهان» سرانجام چیزی جز باد در

مفید بوده است - و همچنین دخالت‌های دیگر ایشان در امور مربوط به سیاست خارجی دولت ایران و برخی از امور داخلی. همانطور که اشاره شد، بررسی این نامه را به‌زمانی دیگر موکول می‌کنیم، اما در اینجا فقط یادآور می‌شویم، دولتی که ایشان خواهان عدم مداخله در امور مربوط به آنست، تاکنون درباره‌صدها قران داد اسارت‌بار بین ایران و آمریکا مهر سکوت بر لب گذاشته است. در رابطه با دخالت مستقیم سنای آمریکا در امور داخلی ایران، تا زمانی که امام خمینی راساً با سخنرانی تاریخی خود، این مداخله را محکوم نکرده بود، سکوت اختیار کرده بود. همین دولت در باره قطع رابطه ایران با مصر، تا قبل از مداخله مستقیم امام خمینی، با سکوت از کنار قرارداد تنگین سادات - بکین گذشته بود.

زحمتکشان نمیتوانند قسط وامهارا بپردازند

پیرزن آمده بود به بانک رهتی تا قسط وامی را که برای خرید خانه گرفته بود، بپردازد. ظاهراً قسط‌هایش عقب افتاده بود. خودش میگفت: «شوهرم بیکار است، خودم مدتی است دستم درد میکند و نمیتوانم کار کنم. به‌همین دلیل قسطها عقب افتاده بود» پیرزن در برابر اعتراض یکی از کارمندان بانک، که درباره عقب افتادن قسط و جریمه‌ای که به آن تعلق می‌گردد، داد سخن داده بود. صدایش را بلند کرد و گفت: «امام‌هم گفته بود ندهیم». کارمند بانک این گفته پیرزن را تکذیب کرد. پیرزن که دیگر تحملش تمام شده بود، فریاد کشید: «ما انقلاب کردیم که از شر همین حرف‌ها خلاص شویم. انقلاب کردیم که زیر بار قسط کمرخم نکنیم. انقلاب کردیم که بهره وام ندهیم. اگر قرار باشد که باز هم چپاول و غارت ادامه پیدا کند که خون جوانهایمان پایمال شده است. اصلاً دیگر قسط نمیدهیم، هر کاری از دستتان بر می‌آید بکنید. هم خودم بیکارم و هم شوهرم، هر دو مان ۳۴ سالیست کار می‌کنیم، حالا نباید یک سرپناه داشته باشیم و آخر عمری بدون قسه عقب افتادن قسط شها سر راحت بزمین بگذاریم؟»

فریادهای پیرزن همه مشتریهای بانک را بدور او جمع کرده بود و همه به تائید پیرزن صدایشان را بلند کرده بودند و علیه غارتگری بانکها حرف می‌زدند که یکی از کارمندان بانک از طبقه دوم بزرآمد و با مهربانی دست پیرزن را گرفت و با خود برد تا به کارش رسیدگی کند.

کاخ‌های خاندان پهلوی باید برای خدمت به مردم مورد استفاده قرار گیرد

از چند شهر کوچک و بزرگ ایران گزارش رسیده است که مردم تقاضا دارند برخی یادگانه‌ها که خالی است و یا قصرها و خانه‌های خاندان شاه مخلوع در اختیار مردم گذاشته شود تا تبدیل به پارک، دانشگاه، کتابخانه، کلوب و... شود. از جمله این شهرها، خرم‌آباد و نوشهر است. بنظر ما، شوراها محلی شهرها باید این پیشنهادهای به‌حق مردم را بررسی کنند.

خانن به خلق با هشیاری پاسداران دستگیر شد

داود شیرزاد، که در سال ۱۳۳۸، با خیانت خود موجب دستگیری بیش از صد نفر از همین پرستان و مبارزان شده بود - که از میان آنها ۵ نفر شهید شدند - روز ۱۳۵۸/۳/۱۲ توسط پاسداران کمیته ۸ انقلاب، شناسائی و دستگیر شد و به زندان تحویل گردید.

کس شاه مخلوع روی شیشه بانکها

روز ۵۸/۳/۱۱ دیده شده است که عده‌ای عکس شاه مخلوع را روی شیشه‌های بانکها در پارک شهر، گمرک و چهار راه عباسی می‌چسباندند و به‌هواداری از شاه خائن شعار میدادند. با تیراندازی پاسداران انقلاب این عده متفرق شده‌اند. بدینسان این واقعت تأیید می‌شود که ضد انقلاب روز بروز گستاخ‌تر می‌گردد.

اشکال‌نهمان و آشکاری انجام می‌گیرد، بدست کدام نیروهای مستقیم و غیرمستقیم جامعه عمل بچنود می‌یوشند.

از عمل سازمان منحل ساواک گرفته تا بورژوازی لیبرال، از ترور گرفته تا «دفاع» از آزادیهای مقدس دموکراتیک و موازین تمدن، همه رهمه «در زرادخانه» امپریالیسم وجود دارد. این نکته، یعنی تنوع وسایل و اسباب راه، مردم ایران در رژیم گذشته خوب آموذوند. رژیم شاه مخلوع، شما راه، اگر «سربراه» بودید به مقامات عالییه و «ثروت‌های افسانه‌ای»، با تمام «مزایای مربوطه» میرساند، و اگر در جلوی می‌ایستادید به دستکاه های شکنجه مدرن «توستر» و «آپولو» برای کباب شدن و فلج شدن حواله میداد و اگر لازم میدانست در دخمه های مرکب چاله‌های اسید سربه‌نیست میکرد. رژیم این مطالب را در مکتب «استاد» آموخته بود. حالا هم مطلب از جهت تنوع وسایل و اسباب، همانطور است. هیچانات «مقدس» علیه «آخوندیسم» و نطق های مشعش درباره «آزادی» از یک سو و شبکه بندی مخفی ساواکیها و نظامیهای وابسته به پنتاگون در سراسر ایران، با اتومبیل های ضد گلوله و اسلحه ترور و آشوب از سوی دیگر، چنین است طیف وسیع تدارکات ضد انقلابی امپریالیسم.

باهمه علاقه پرشور ما به تمدن، با همه دل‌بستگی و شیفتگی ما به آزادیهای انسانی، ما به همه مردم ایران توصیه می‌کنیم: از وظیفه عمده غفلت نوزیم! دشمن اصلی را بشناسیم! در دام نیافتیم! خطر مکنون را بموقع ببینیم و بموقع و بشکل موثر با آن روبرو شویم! مبارزه کنیم!

- ۱) این امپریالیسم زاینده رژیم استبداد سلطنتی و فکهدارنده‌اش بود؛
 - ۲) این امپریالیسم مهمترین غارتگر ثروت‌های طبیعی و بازاری ایران بود؛
 - ۳) این امپریالیسم مهمترین ترمرز شد سالم و سریع جامعه و کشور ما بود؛
 - ۴) این امپریالیسم کماکان بزرگترین تالاشهای توطئه آمیز را برای بازگرداندن ایران زیر سیطره خود بکار می‌بندد و بزرگترین خطر برای انقلاب ایران و پیروزی قطعی و نهائی آنست.
- بسیار مهم است که انقلابیون تشخیص دهند که این «بزرگترین تالاشها» به چه

بقیه از شماره پیش

گفتگویی با چریکهای فدائی خلق ایران درباره مسائل انقلاب ایران

حزب توده ایران، و مرحله انقلاب و ارزیابی لحظه کنونی

برای اینکه بحث ما منظوم و ثمربخش باشد، ابتدا نظر حزب توده ایران را درباره مرحله کنونی انقلاب در ارزیابی لحظه حاضر توضیح میدهم، تا در قیاس با آن، برداشت ما از سایر نظریات و عقاید دقیقتر مطرح شود.

برنامه حزب توده ایران، مصوب ۱۳۵۴، مرحله کنونی انقلاب ایران را ملی و دموکراتیک میدانند، در این برنامه گفته میشود: «انقلاب ایران در مرحله کنونی تاریخی رشد جامعه ما یک انقلاب ملی و دموکراتیک است، که محتوی آن عبارتست از: کوتاه ساختن دست انحصارهای امپریالیستی از منابع طبیعی و اقتصادی کشور و تأمین استقلال کامل اقتصادی و سیاسی ایران؛ برچیدن بقایای نظامات ماقبل سرمایه داری و اتخاذ سمت گیری سوسیالیستی؛ دموکراتیک کردن حیات سیاسی و فرهنگی کشور.»

موافق برنامه حزب توده ایران: «شرط ضرور تحول انقلابی ایران در مرحله کنونی، واژگون کردن رژیم فرودست سلطنتی، شکستن دستگاه دولتی ارتجاعی و پایان دادن بحاکمیت سرمایه داران بزرگ و زمینداران بزرگ و انتقال قدرت از دست این طبقات بدست طبقات و قشرهای ملی دموکراتیک، یعنی کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی شهر، روشنفکران میهن پرست و مترقی و قشرهای ملی بورژوازی، یعنی استقرار جمهوری ملی دموکراتیک است.»

اگر نیروهای انقلابی ایران جنبه واحدی باین برنامه روشن و حاوی تمام خصوصیات یاد شده فوق میداشتند، بر اساس آن در انقلاب پیروزمی شدند، انقلاب ملی دموکراتیک ایران میتوانست شرایط انجام تمام وظایفی را که تاریخ رشد جامعه در برابرش گذاشته، فراهم آورد و این وظایف را به پایان رساند. و اگر طبقه کارگر ایران توانسته بود سرکردگی خود را در انقلاب تأمین کند، سمت تکامل تاریخی انقلاب بسوی سوسیالیسم نیز تضمین میشد، چرا که در نوشتن تبهائی انقلاب ملی و دموکراتیک و سمت تکامل تاریخی و درجه پیگیری آن با امر سرکردگی (هژمونی) انقلاب ارتباط تام دارد.

(از برنامه حزب توده ایران) در زندگی زنده، مسیر حوادث طوری پیش آمد که جنبه واحد نیروهای مترقی، تنها بصورت نوعی اتحاد عمل تشکیل شد، که رهبری آن را پرولتاریا نیست (صرف نظر از اینکه خواست ما و سود جنبش چه باشد، واقعیت چنین است.) مردم ایران انقلابی را پیروز کردند که تاکنون فقط بخشی از وظایف تاریخی خود را انجام داده و بخشی بزرگتر آنرا در دستور روز گذشته است. بعلاوه این انقلاب ضامن های لازم برای بازگشت ناپذیر کردن تکاملی بوجود نیآورده است. این انقلاب، با آن کمال مطلوبی که هر مارکسیست-لنینیست تصویر میکند و برای آن میزند، فاصله دارد. پس چه باید کرد؟ یا این واقعیت چگونه باید برخورد نمود؟

قطعا دوراه میتوان تصور کرد: یکی اینکه بر معایب و نقائص واقعیت خارج تکیه کنیم، بدلیل اینکه واقعیت با کمال مطلوب فاصله دارد، ما هم از واقعیت فاصله بگیریم. دیگر اینکه با واقعیت خارج-حناکه است، باتمام کمبودها و مزایایش- روبرو شویم و در جهت تکامل و پیشرفت انقلاب بزمیم. بنظر ما، تصور نخستین، ایده آلیستی و فلیج کننده است. واقعیت همیشه با ایده آل تفاوت دارد و هر کسی که از واقعیت، بدلیل اینکه منطبق با ایده آل نیست، فاصله بگیرد، هرگز - اگر حسن نیت هم داشته باشد- منشاء اثر مثبتی نخواهد بود. وظیفه حزب انقلابی فرار از واقعیت نیست. روبرو شدن هشیارانه با آنست. وظیفه حزب طبقه کارگر در انقلاب واقعی کنونی نیز فرار از آن و فاصله گرفتن از آن نیست. ورود مردانه بمیدان، در افتادن با واقعیت بقصد سوق دادن آن بسوی کمال مطلوب است.

افزافه کنیم که برای حزب توده ایران، در این مرحله از انقلاب، پیدایش واقعیتی دور از کمال مطلوب امری غیر منتظر نیست. حزب ما که مرحله کنونی انقلاب را، دموکراتیک ملی میدانست و میداند، همواره در نظر داشت که بهترین حالت، تنها حالت ممکن نیست وجه بسا در واقعیت زندگی، بهترین حالت کمتر از هر حالت دیگری محتمل باشد. احتمال غالب همواره اینست که واقعیت با کمال مطلوب فاصله پیدا کند.

درباره انقلاب دموکراتیک ملی بهترین حالت، یعنی کمال مطلوب اینست که این انقلاب، چنانکه در برنامه حزب ما آمده و پیشنهاد شده، با یکضرب و زیر سرکردگی پرولتاریا پیروز شود و راه را بسوی سوسیالیسم بگشاید. ولی حالت غالب محتمل اینست که این انقلاب، در یکضرب به پایان نرسد و انجام تمام و کمال وظایفی که تاریخ در برابر انقلاب گذاشته، تنها بر اثر مجموعه ای از پیشرفت ها و عقب نشینی ها مقدور شود و انقلاب، بمعنای وسیع کلمه، از چندین موج انقلابی، از چندین انقلاب بمعنای محدود کلمه، از تعداد زیادی پیشرفت ها، عقب نشینی ها و قهرها ترکیب شود. تجربه اکثریت قریب به اتفاق انقلابهای دموکراتیک و ملی موبداین گفته است.

به انقلاب عراق نگاه کنید. از ۱۹۵۸، که سلطنت فیصل سرنگون شده تا به امروز، این انقلاب چه راه پریب و خمی را پیموده و چه راه دشواری در پیش دارد؟ به مصر، به سوریه، به هندوستان و اندونزی و دهها کشور دیگر آسیائی، آفریقائی و امریکای لاتین بنگرید. در هیچ یک از این کشورها، هنوز انقلاب دموکراتیک ملی، از نظر وظایف تاریخی که بعهده دارد، بطور کامل به پایان نرسیده، ولی همه آنها تاکنون چندین موج بزرگ و کوچک انقلابی را از سر گذرانیده اند و در انتظار امواج نوینند.

در کشور خود ما، انقلاب دموکراتیک ملی در واقع از تدارک انقلاب مشروطه آغاز شد و با آنکه از چندین موج گذشته، هنوز پایان نیافته است.

بهمین مفهوم است که لنین از سیکل کامل انقلابهای بورژوازی واز دو معنای کلمه «انقلاب بورژوا دموکراتیک» سخن میگوید: انقلاب بمعنای وسیع کلمه و انقلاب بمعنای محدود کلمه. لنین میگوید: «انقلاب بورژوا دموکراتیک به چه معناست؟ بطور کلی زیر این عنوان دو

چیز میتوان فهمید. اگر آنرا بمعنای وسیع کلمه بکار ببریم، از این اصطلاح حل وظایف عینی و تاریخی انقلاب بورژوازی «پایان آن»، یعنی محور زمینه ای که مستعد زایش انقلاب بورژوازی است، پایان سیکل کامل انقلابهای بورژوازی اراده میشود به این معنا مثلاً در فرانسه انقلاب بورژوا دموکراتیک فقط در ۱۸۷۱ به پایان رسید (در حالی که در ۱۷۸۹ آغاز شده بود).

و اگر این کلمه را بمعنای محدودش بکار ببریم، از آن هر انقلاب جداگانه، هر یک از انقلابهای بورژوازی و یا به اصطلاح هر یک از «امواج» که رژیم کهنه را میکوبند، ولی آنرا کاملاً سرکوب نمیکنند و زمینه را برای انقلابهای بورژوازی بعدی از میان نمیرند. اراده میشود. به این معنای محدود، انقلاب ۱۸۴۸ آلمان در ۱۸۵۰ (و یاده ۵۰) به «پایان» رسید، ولی بیچوجه زمینه را برای جهش انقلابی سالهای ۶۰ از میان نبرد. انقلاب ۱۷۸۹ در ۱۷۹۴ به پایان رسید، ولی زمینه را برای انقلابهای ۱۸۳۰ و ۱۸۴۸ از میان نبرد.

در اینجا لنین درباره انقلابهای بورژوا- دموکراتیک سخن میگوید. با آنکه در زمان ما انقلابهای دموکراتیک ملی میتوانند بورژوازی نباشند، و وظایف دموکراتیک را بمعنای خلقی و ضد سرمایه داری حل کنند (که خواست ماست) ولی در آنچه مربوط به سیکل انقلابیست، نظر لنین به انقلابهای ملی و دموکراتیک دموکراتیک ملی، در یکضرب به پیروزی رسیند و راه بسوی سوسیالیسم بگشایند، ولی این امکان بمعنای الزام و تضمین نیست.

انقلاب کنونی یکی از انقلابهای است که اگر تکامل یابد، میتواند زنجیر انقلابهای ملی و دموکراتیک را به پایان رساند، ولی ممکن هم هست که موفق نشود و فقط بصورت یکی از امواجی که رژیم کهنه را میکوبد. ولی آنرا کاملاً سرکوب نمی کند، باقی بماند. انقلاب کنونی آغاز شده، ولی هنوز در معنای محدود کلمه نیز پایان نیافته است. نبرد طبقاتی شدیدی هم اکنون جریان دارد، که پایان انقلاب موقوف به نتیجه آنست.

در انقلاب کنونی، قشرهای وسیع مردم، از کارگر تا بورژوا شرکت کردند. در آغاز جریان، حتی قشرهایی از بورژوازی بزرگ، که پیوندهائی با رژیم گذشته داشته، و لایز استبداد مطلقه شاه ناراضی و یانکران بودند، بنوعی شرکت نمودند و کوشیدند انقلاب را در حدود طرد شاه و حفظ سلطنت، تخفیف زورگویی انحصارات امپریالیستی ضمن حفظ پیوند با امپریالیسم، تخفیف فشار پلیسی ضمن حفظ سلطه ارتش، ژاندارمری و شهربانی و حتی حفظ بخش بزرگی از سوارک، مهار کنند.

توطئه ای که در زمان نخست وزیری شاهپور بختیار تدارک میشد، روشن ترین و گویاترین تلاش نمایندگان این قشر است علیه انقلاب و برای مهار کردن آن خوشبختانه جنبش انقلابی در آن روزها اوج گرفت و این سازش را عقیم گذاشت.

مردم، علی رغم دستورهائی که از مراجع معینی می رسید سازمان های ساواک و پلیس و پادگانهای نظامی را از داخل و خارج درهم کوبیدند ولی طبیعی است که بورژوازی دستوری دست نگذاشته و به ادعای اینکه، روزی روزگاری با دیکتاتوری فردی شاه مخالفتی کرده، در تلاش است که سر - از انقلاب ایران نصیب خود کند.

بورژوازی بزرگ، برای اینکه به هدف خود برسد و انقلاب را مهار کند، به لبرالیسم بورژوازی توسل میجوید و میکوشد از این واقعیت، که مردم از دیکتاتوری شاه بشدت خشمگین بودند، سوء استفاده نماید. نمایندگان این قشر بورژوازی، کسانیکه در زمان بختیار تمام مقدمات سازش - اجم کرده بودند، امروز هم در همان جهت کار میکنند و میکوشند حکومتی را که جانشین رژیم شاه مخلوع خواهد بود، در چارچوب «مشروطه بدون سلطنت» و یا رژیم بختیار بدون بختیار، نگاهدارند.

معنای این حرف اینست که مالکیت های بزرگ بورژوازی و مناسبات اجتماعی - اقتصادی موجود، بطور عمده بجای خود بماند، قوانین سابق، «تا وقتی لغو نشده»، اجرا شود، قراردادهای ایران با دولت های امپریالیستی، و از جمله و بخصوص امپریالیسم امریکا، تا حد مقدور حفظ شود و در سازمان های دولتی فقط تغییرات بسیار جزئی و غیر ماهوی وارد آید و ...

از طرف این جناح است که بطور مداوم به دادگاه های انقلاب و پاداران انقلاب رگبیده حمله میشود و این اندیشه تبلیغ میگردد که «دولتهائی در داخل دولت» وجود دارند و مانع کارند ...

بگفته آنان، در ایران حاکمیت دوگانه وجود دارد. یکی دولت موقت و دیگری انواع سازمانهائی که زیر نظر مستقیم امام خمینی کار میکنند. اگر این گفته را بشکافیم، با نبرد طبقاتی که پشت سر آن خوابیده، روبرو خواهیم شد.

حاکمیت وقتی میتواند دوگانه باشد که هر یک از دو حکومت، نماینده طبقات و قشرهای مختلف و بیانگر نظریات مختلف باشند. منطقی دولت موقت، از نظر شکل کار، نباید یادخال امام خمینی در امور کشور مخالفتی داشته باشد، چرا که خود حاصل همین دخالت بوده و از طرف خود او تعیین شده است. در واقع نیز اگر اقدامات بعدی هواداران امام خمینی، و بویژه دادگاه های انقلابی، پاسداران انقلاب وغیره، از نظر محتوی با تمایلات و هدف های دولت موقت منطبق میبود، حکومت دوگانه ای پدید نمیشد و طرفین به آسانی میتوانستند بر سر شکل کار به توافق برسند، تا داخلی که، بقول نخست وزیر، «مزاحم کارهاست» پیش نیاید. اما در واقع بحث بر سر «تداخل کارهاست»، بر سر اختلاف در محتوی است، بر سر اینست که: مهربان های امپریالیسم و ارتجاع را بطور کامل بکوبیم و دستگاه قدرت سابق را بطور کامل بشکنیم یا نه.

یکی از مهمترین ویژگی های انقلاب کنونی ایران آنست که این انقلاب رنگ مذهبی دارد و رهبری آن با امام خمینی است. ولی فراموش نکنیم که در زیر پوشش اسلام هم نبرد بسیار شدیدی در جریان است و همه «مذهبی ها» نمایندگان قشرها و طبقات واحدی نیستند.

مجاهدین خلق ایران حق دارند وقتی میگویند: «ما باینها تضاد طبقاتی داریم، چرا که مانع اینده دو مذهب هستیم مذهبی بر اساس توحید و نفی استعمار و ازین بردن هر گونه استعمار انسان از انسان و ستم و بی عدالتی که انبیاء بخاطر آن جان دادند و مذهب دیگر مذهب ارتجاع و طرفدار وضع موجود و حامی استثمارگران»^۲

جناح قاطع، پیگیر انقلابی اسلام، بطور عمده از نمایندگان طبقات زحمتکش و خرده بورژوازی تشکیل شده، که در جهت قطع سلطه امپریالیسم، قطع ریشه های رژیم شاه مخلوع و تجدید سازمان اجتماعی بر اساس منافع این طبقات میکوشد.

حزب توده ایران، با بررسی دقیق اوضاع ایران و جهان، بر آنست که انقلاب کنونی ایران میتواند و باید جلو تر رود. حزب توده ایران بر آنست که حزب طبقه کارگر نباید در نبرد عظیم ضد امپریالیستی و طبقاتی که در جامعه ما در جریان است، بیطرف بماند، و یابد تر از آن، بدنبال ظواهر امر رفته به نام بورژوازی لیبرال بیفتد.

بقیه در صفحه ۵

بقیه از صفحه ۱ آقای دکتر سنجابی...

«اگر نشریاتی نظیر خبرنامه و یا نهضت و یا جنبش به طریقه زیر آکس منتشر میشود، نویسنده به عنوان ارگان حزب توده ایران خیلی مجهز تر منتشر میشود و خیلی وسیع تر توزیع میگردد»

اگر آقای دکتر سنجابی و قسایب ماههای قبل از انقلاب و بعد از آن را هم فراموش کرده است و سهم حزب ما را در این تحول عظیم بخاطر نمیآورد، خوب بود لااقل به چرایید ماههای قبل و بعد از انقلاب مراجعه می کرد، تا دچار این اشتباه بزرگ نمیشد و آنوقت بیاد میآورد که «حزب توده ایران کجا بود و چه کرد»^۱

روزنامه کیهان یکشنبه ۲۲ بهمن ۵۷ یعنی درست در روزهای حادثه با تیتربزرگ نوشت:

«مجاهدین خلق، چریکهای فدائی خلق، چریکهای فدائی منشعب و افراد مسلح حزب توده در تبردهای مسلحانه نقش فعال دارند.» و کیهان ۲۵ بهمن ۱۳۵۷ نوشت:

«توده های مسلح سر لشکر ریاحی را دستگیر کردند.»

آقای کریم سنجابی! این ما بودیم که اسناد نقشه های را که برای سرکوب مردم تدارک دیده بودند و در اختیار سر لشکر ریاحی بود، تحویل کمیته امام دادیم.

اما اختلاف ما شما بر سر چیست؟ اختلاف بر سر دوشی در مبارزات گذشته و کنونی است.

اختلاف بر سر سرنگونی سلطنت و یا آرایش دربار و در نتیجه حفظ سلطنت بوده است. اختلاف بر سر تکامل آتی انقلاب ایران است.

حزب توده ایران، در اعلامیه ۱۳ شهریور ۱۳۵۷ خود، همه نیروها را برای اقدام عملی برای سرنگونی سلطنت و ایجاد جمهوری دعوت کرده است. اما شما آقای سنجابی، در مصاحبه ۱۴ اکتبر ۱۹۷۸ (۱۲ مهر ۱۳۵۷) خود باروزنامه فرانسوی لوموند، نسخه نجات سلطنت و انتقاد از خود شاه را ارائه داده اید و چنین گفته اید:

«... ما دیگر جرات نمیکنیم که از سلطنت مشروطه سخن بگوئیم. اگر چه چنین امری در برنامه ما پیش بینی شده است.

شاه باید در انتظار عموم از خود واز خطاهای گذشته اش انتقاد کند و خود را از این یس ملزم به رعایت قانون اساسی بنماید و همه اموال شخصی خود و خاندان سلطنتی را به دولت ببخشد. در چنین صورتی همه کار ممکن خواهد بود.»

آقای دکتر سنجابی! در زمانیکه شما «همه کار» را برای نجات سلطنت «ممکن» می دانستید، کمیته مرکزی حزب توده ایران، در اعلامیه مورخ ۲۳ دی ۱۳۵۷ خود، همه نیروهای ملی را به مبارزه مسلحانه برای بر انداختن رژیم شاه دعوت کرده است.

انقلاب شکوهمند مردم ایران، در روزهای ۲۲ و ۲۱ بهمن ۱۳۵۷، سلطنت، این لانه جاسوسی و فساد و پایگاه امپریالیسم را برچید و آب پاکی بروی دست همه کسانی ریخت که به آرایش دربار و حفظ سلطنت وابسته امپریالیسم دل بسته بودند. امروز که انقلاب ملی و دموکراتیک مردم ایران قطع نفوذ ریشه های وابستگی اقتصادی، سیاسی، نظامی ایران را با امپریالیسم در دستور کار خود قرار داده است، همان نیروهائی که با «آزادیهای مصر» در قانون اساسی و «مشروطه سلطنتی» دلخوش بودند، بشکل دیگری وارد میدان شده و عملاً چوب لای چرخ حرکت تکاملی انقلاب می گذارند.

آقای دکتر سنجابی، که از پشتیبانی اصولی حزب ما از موضع پیگیر ضد امپریالیستی امام خمینی سخت عصبانی است، بجای اظهار نظر صریح و اصولی درباره این سیاست حزب ما در برابر جناح

بقیه در صفحه ۵

بقیه از صفحه ۳

گفتگو با چریکهای فدائی خلق ...

در جمله زیر که در اعلامیه چریکهای فدائی خلق نوشته شده است: رهبران حزب توده ایران «در آینده تأیید جمهوری اسلامی تحقق ثوریهای ریز یونیستی گذار مسالمت آمیز و راه رشد غیر سرمایه داری را خواب دیده اند، هسته، معقوله وجود دارد. البته آنها بیخیال خود ناسزا گفته اند. ولی از کسانیکه فراتر از دشنام و ناسزا میروند و به مسائل جدی - جدی برخورد میکنند، میخواهیم که روی این مطلب بیندیشند. باناسزا و دشنام و فرار از واقعیت نمی توان بجائی رسید. اگر ما در آینده جمهوری اسلامی به اصطلاح «تحقق ثوریهای ریز یونیستی» را می بینیم، پس دنباله رو نیستیم. حساب و کتاب داریم. ثوری داریم، که ما ثویست ها برای اعتبار کردن، آنرا «ریزیونیستی» نامیده اند. ولی این ثوری در واقع امر مارکسیسم - لنینیسم خلاق و تنها ثوری درست انقلابی زمان ماست.

حزب توده ایران سیاست، تاکتیک و استراتژی خود را، برخلاف آنچه در آغاز اعلامیه چریکها یاد شده، «بدون تحلیل واقعی و عینی» تدوین نکرده، بلکه با تحلیل عمیق چندین ساله تعیین کرده است. مادر برنامه خود، که در آغاز دهه ۵۰ تدوین و در سال ۵۴ منتشر شده، نوشته ایم:

«حزب توده ایران از هر دولتی که از یک تحول مترقی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی ناشی شده باشد، بنوبه خود پشتیبانی خواهد کرد و در راه سوق آن بسوی ستمگیری سوسیالیستی خواهد کوشید.»

این مطلب، حداقل چهار سال پیش اعلام شده است. در پشت سر این جمله، تجربه انقلاب مشروطه و جنبش جنگل، تجربه خودمادرمزمان مصدق، تجربه کوبا و الجزیره و مصر (جمال عبدالناصر) و تجربه دهکاشور دیگر خوابیده و از اندیشه خلاق مارکسیسم - لنینیسم و تصمیمات کنفرانسهای احزاب برادر بهره گیری شده است. هر کس حق دارد که آنرا نپذیرد. اما عیب است که کسی آنرا جدی نکیرد و جدی بررسی نکند.

ما معتقدیم که انقلاب ایران، که سلطنت را سرنگون کرده و جمهوری اسلامی بوجود آورده، هنوز پایان نیافته و هنوز محتوی اجتماعی - سیاسی جمهوری اسلامی جایفناخته است. این محتوی میتواند عمیقتر، مردمی تر و ضد امپریالیستی تر باشد، و ممکن هم هست که کم مایه، بماند همچون بسته به تناسب قوای طبقاتی است ادعا که حزب توده ایران نمیدانست که محتوی جمهوری اسلامی چیست و فقط ولذا هر سازمان سیاسی باید دقیقاً حساب کند که، آب یکدام آسباب میریزد. این بقصد «فرصت طلبی» به آن رای داد، در بهترین حالت ادعای ساده لوحانه ای است. ما میدانستیم و میدانیم که هر سر محتوی جمهوری اسلامی ایران نبرد شدیدی - چه در مقیاس کشور، و چه در عرصه وسیعتر منطقه و جهان - جریان دارد. ما اصلاً با فراندوم بعد از انقلاب موافقتی نداشتیم. کدام انقلاب پیروزمند حقانیت خود را برای میکشاند؟ فراندوم را کسانى اختراع کردند که میخواهند انقلاب را در چارچوب پارادوکس دموکراسی بورژوازی اسیر کنند. و به تحولات ایران حالت رفرمهای «قانونی» بدست ولی توده های میلیونی در فراندوم هم مثل انقلاب شرکت کردند، تا هم خود را بر محتوی جمهوری اسلامی بزنند. به این ترتیب بود که فراندوم، با آنکه فقط یک پرشش داشت: جمهوری اسلامی یانه، عملاً تجلی گاه دو اسلام شد، اسلام زحمتکش و اسلام ازما بهتران.

نه فقط در فراندوم، بلکه در همه کارهای اساسی انقلاب، نبرد دو مذهب آشکار است. در این نبرد نمی توان و نباید کنار گذاشت و با عملاً آب به آسباب بورژوازی لیبرال ریخت. برنامه حزب ما اینست که از هر دولتی که از یک تحول ضد امپریالیستی ضد ارتجاعی ناشی شده باشد، پشتیبانی کنیم. اینک که بجای یک دولت، عملاً دو دولت تشکیل شده، وظیفه ماست که بکوشیم تا آن دولتی که به خواست توده های ستمکش نزدیکتر است، پیروز شود. وظیفه ماست که بکوشیم تا همه نیروهای قاطع ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی بهم نزدیکتر شوند در جبهه واحدی، که آنرا «جبهه متحد خلق» نامیده ایم، گرد آوریم.

روشن است که ترکیب طبقاتی این جبهه و وظایف آن با ترکیب و وظایف جبهه ضد دیکتاتوری، که قبل از سرنگونی شاه مخلوع مطرح بود، تفاوت دارد. در جبهه متحد خلق قشری از بورژوازی، که روش سازشکارانه و لیبرال گرفته، نمی تواند شرکت کند. «جبهه متحد خلق» باید با این قشر بزمزد. ما این مطلب را در اسناد پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران، که بلافاصله پس از انقلاب - زمانیکه هنوز صفا به اندازه امروز جدانموده بیان کردیم. در گزارش هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی گفته میشود:

«روشن است که شرکت طبقات گوناگون خلق در جنبش انقلابی ایران، در عین اینکه زیر شعارهای مشترک ملی و دموکراتیک و خلقی گسترش یافته رمی یابد، دارای انگیزه های همگون و همانند نیست ...

حال این سؤال پیش میاید: آن یکپارچگی که جنبش انقلابی ایران در جریان سرنگون کردن رژیم از خود نشان داد تا چه وقت ادامه خواهد یافت و موضع گیری اقشار و طبقات گوناگون در جریان تحول آینده چگونه خواهد بود؟»

هیئت اجرائیه در گزارش خود، ضمن پاسخ به این پرسش به دشواریهای عینی بسیاری که بر سر راه تحولات عمیق اقتصادی و اجتماعی و حرکت پیروزمند انقلاب وجود دارد و دشواریهایی که امپریالیست ها بر سر راه جنبش انقلابی ایجاد خواهند کرد اشاره میکند و میگوید:

«در راه حل این مشکلات، بدون تردید تفسیراتی در مواضع طبقات و گروه های اجتماعی، که امروز در جنبش شرکت مینمایند، بوجود خواهد آمد ...

قدر مسلم اینست که بورژوازی لیبرال، که تاکنون با جنبش همراه بوده، میکوشد جنبش را در چهارچوب منافع محدود طبقاتی خود نگاه دارد و جنبه های خلقی و مردمی آنرا تضعیف نماید. تجربه همه انقلابها نشان داده است که با گسترش جنبش انقلابی در جهت خواستهای طبقات و قشرهای محروم جامعه، بورژوازی لیبرال حاضر شده است از انقلاب روی برگرداند و باقی مانده های نیروهای ضد انقلاب سازش کند و آنرا برای سرکوب جنبش خلقی زحمتکش با کاراندازد ...

حزب ما باید در برابر پیدایش و رشد چنین پدیده ای، اتحاد همه نیروهای دموکراتیک متکی به طبقات زحمتکش و اقشار متوسط هوادار پیشرفت اجتماعی را هر اندازه ممکن، مست قوت و پشتیبانی نماید ...

ما باید بکوشیم با اتکال به طبقه کارگر و سایر زحمتکشان شهر و روستا و بویژه بانیروهای فعال انقلابی، که تحت رهبری آیت الله خمینی هستند، از جمله با «سازمان مجاهدین خلق ایران» و همچنین با سایر نیروهای انقلابی مانند «سازمان چریکهای فدائی خلق» و «گروه های مترقی روشنفکران» و بخش دموکراتیک

اخبار کارگری

* کارگران شرکت فلور موفق شدند

کارگران شرکت فلور بر اثر مبارزه بیگیر خود موفق شدند بخشی از خواستهای خود را به کارفرما بقبولانند، از جمله گرفتن دستکش، کلاه و کفش ایمنی و لباس کار.

* انتشار نشریه «ساج مبارز»

گروهی از کارگران چیست سازی تهران نشریه ای بنام «ساج مبارز» منتشر کرده اند. در شماره هدف انتشار این نشریه در سرمقاله آن آمده است که در درجه اول بررسی مسایل و مشکلات کارخانه و طرق حل آن، و در درجه دوم رساندن اخبار کارگری و تجربیات کارگران کارخانه های دیگر برای آگاهی کلیه کارگران، از گیزه فعالیت ماست.

* اخلاص کارفرما در انتخابات کارگران

چندی پیش، در کارخانه شوقاژ کار، کارگران دست به انتخابات زدند و نمایندگان واقعی خود را برگزیدند و در نتیجه با عکس العمل کارفرما و عملی روبرو شدند کارفرما، که کارگران را متشکل میدید، در صدد تفرقه بر آمد. از این رو با تطبیع اکثر سرپرستان آنها را ادا کرد که به بهترین انتخاباتی اعتراض کنند و انتخابات دیگری آغاز شود، که ساخته دست کارفرما باشد. متأسفانه چنین نیز شد. هنگامی که نه نمایندگان واقعی کارگران و نه اکثریت کارگران در کارخانه حضور داشتند، دست به انتخاب نمایندگان کارگران زدند، البته کارفرما از سوئی با ایجاد تفرقه و از سوی دیگر با بهره برداری از اشتباهات و چپ رویهای برخی از نمایندگان و جدا کردن آنان از کارگران، توانست دست بچین عملی بزند. این اقدام کارفرما، با اعتراضات گسترده کارگران روبرو شد و اکنون هر روز کارگران در کارخانه اعلامیه هایی منتشر میکنند، مبنی بر آنکه ما نمایندگان جدید را منتخب خود نمیدانیم و خواستار برگزاری انتخابات مجدد هستیم.

* تبعیض میان کارگران برق را از میان بردارید!

در شرکت برق منطقه ای تهران، در حدود سه هزار هشتصد کارگر حکمی و دو هزار کارگر موقت کار می کنند. کارگران از نظر حقوق و مزایا به سه دسته تقسیم میشوند: دسته اول کارگران حکمی قبل از سال ۱۳۴۸، دسته دوم کارگران حکمی بعد از سال ۱۳۴۸، که ۳۵ درصد کمتر از کارگران دسته اول کمک غیر نقدی دریافت می دارند و دسته سوم کارگران موقت که از هیچ گونه کمک و مزایا برخوردار نیستند. البته در میان کارگران موقت هستند کسانی که بیش از بیست سال سابقه کار دارند؛ بوضوح می توان دریافت که قصد مسولان شرکت، در رژیم گذشته، از این گونه تبعیضها ایجاد نفاق و چند دستگی میان کارگران و

جلوگیری از تشکل صفوف آنان بوده است و لذا اکنون کارگران بحق خواستار آنند که این تمایزات از میان برداشته شود و کارگران با اصطلاح موقت نیز مانند سایر رفقای خود حکمی اعلام شوند و از حقوق و مزایای یکسان برخوردار گردند.

* از نامه سرگشاده هیئت مدیره ساختمانی کارکنان شرکتهای خمینی

ما کارکنان شرکت های ساختمانی، که اجرای طرح های عمرانی و آبادانی کشور را ظرف بیش از ۲۵ سال گذشته به عهده داشته و داریم در حین انجام کار در هر نقطه کشور دچار مرارت ها و سختی ها شده و می شویم و بر اثر سوانح ناشی از عدم وجود وسائل ایمنی لازم کارگاهی تلفات جانی زیادی را متحمل شده ایم، اکثریت بالاتفاق ما از وسائل رفاهی و بهداشتی و تغذیه ای یعنی در حد زندگانی معمولی انسانی در کارگاهها محروم هستیم و اگر معروض بداریم که محیط کارگاهها بیشتر به محیط کارزندانان بردگان شبیه است، سختی بگزار نکرده ایم. اکنون ما بر آن سریم که مختصر آدریاره

چاپ اول بیست و پنج سال گذشته مطالبی را اجمالاً به عرض برسانیم، تا چپاولگران در لباس طلبکاران ظاهر نشوند و گریختگان از دمترس دادگاههای انقلاب اسلامی بادها و صدها میلیون تومان که بطرق قاچاق و غیر قانونی از خزانه این ملت دزدیده و به خارج فرستاده اند، به دعوت بعضی مقامات رسمی به وطن بازخوانده شوند. حضرت آیت الله خمینی به حقیقت حق معروض میداریم که جمع ثروت های غصبی خانواده های شریفه امامی، آموزگار، عبدالمجید علم، قدیمی، ملک یزدی، کلانتری، ... و ... فاتیح، کشفی، ودها و صدها میلیون تومان که با ساخت و پاخت های خود ظرف بیست سال گذشته مناقضات چند میلیونی و چند میلیارد تومانی را با قیمت دلخواه سرهم بندی کرده و پولهایش را از خزانه این ملت مستضعف دریافت داشته اند و حتی از پرداخت حق بیمه و مالیات دولتی نیز با ساختن لیست های قلابی خودداری نموده و می نمایند. این بی صفات آنچه را که توانستند با خود از کشور به یغما بردند و در بورسهای سهام و بانکها سرمایه رسته های پردرآمد در اروپای غربی و آمریکا برای یک یا چند نسل خود سرمایه گذاری کردند.

در این زمان با اینکه دولت موقت جمهوری اسلامی دستور شروع و اتمام عملیات نیمه کاره را صادر کرده است، بجای راه اندازی کارگاه های ساختمانی به تهیه لیست های دست مزد موقت پرداخته اند تا به اصطلاح خودشان از طلب های گذشته،

سرمایه داری ملی، بر پایه یک برنامه مترقی و خلقی زبان مشترک پیدا کنیم و جبهه متحدی بوجود آوریم و این جبهه را بصورت سدی در برابر تلاشهای سازشکارانه جناح سرمایه داری لیبرال ایران قرار دهیم.

جریان حوادث درستی خط مشی و پیش بینی های شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب را ثابت کرد. ویژگی لحظه حاضر اینست که، در صفا بالنسبه واحد نیروهای شرکت کننده در نبرد ضد رژیم، شکاف میافتد و قطب بندی بسیار سریع و جدی انجام میپذیرد. بورژوازی لیبرال ایران، که از جنبش انقلابی جدا میشود، در زیر نامهای گوناگون و گاه ظاهر فریب متشکل میشود و میکوشد توده مردم و بالااقل بخش بزرگی از قشرهای متوسط شهری و روشنفکران را، که از تندرویهای عناصر قشری - و احتمالاً وابسته به این قشر اجتماعی - نگرانند، با خود ببرد. لحظه، لحظه بسیار بغرنجی است. اینجاست که باید همه تجربه غنی جنبش انقلابی ایران و جهان و آموزش مارکسیسم - لنینیسم به کمک مایباید، تا بتوانیم در پشت سر پدیده ها، ماهیت را به بینیم.

ادامه دارد.

۱- لنین، مجموعه آثار، چاپ چهارم روسی، جلد ۱۶، صفحه ۱۸۲
۱- سازمان مجاهدین خلق ایران «تحلیل از یک مجاهد شهید» (تکیه از ماست). این مطلب را آقای طاهر احمدزاده، استنادار خراسان، نیز در سخنرانی اخیرش که تحت عنوان «نابود باد همه پایگاههای اقتصاد وابسته به امپریالیسم» منتشر شده، تاکید کرده است.

توسط ادارات طرف قرارداد از خزانه دولت پولی دریافت کنند. کارگران را اخراج می کنند و به انبوه لشکر بیکاران می افزایند و با این عمل خود توطئه ای حساب شده علیه انقلاب ایران می چینند. اکنون نیز چند روز است که بعضی از مدیران شرکت های بزرگ ساختمانی فروش ماشین آلات راه سازی و ساختمانی را شروع کرده اند و پولش را به ارتبیدیل نموده از کشور خارج می نمایند. این تاراج گران میلیونها از خزانه مردم به طریق ممکن از پرداخت مزایای حق مسکن، حق اولاد و پول خواربار و سایر مزایای قانونی (که دارای چند شرط) نیز می باشد و در زمان طاغوت تصویب شده خودداری می نمایند و با ثروتهای اندوخته شده سهام اکثر کارخانجات و سایر شرکت ها و بانکها و مؤسسات بیمه را نیز در داخل کشور در اختیار دارند.

* کارگران شرکت ارج بهیچیک از خواسته های صنفی خود نرسیده اند

در حال حاضر شورای کارکنان شرکت ارج بصورت یک شورای ارتجاعی در آمده است. در اوایل تشکیل شورا، نماینده ها قابل اعتماد بودند و در جهت خواسته های کارگران گام بر می داشتند، آنها سعی داشتند تا مدیران را قانع کنند و حق کارگران را بگیرند. هیچ برخوردی میان کارگران و نماینده هایشان وجود نداشت. ولی مدتی است که نمایندگان شورا کارشان فقط صحیح است و احسنت گفتن است. حالا دیگر سعی دارند کارگران را قانع کنند تا از خواسته های خود صرف نظر کنند. تمام حرفهای مدیران کارخانه، با تغییر ظاهری، مورد تأیید اعضا شورا قرار می گیرد، جلسات شورا با مدیران در اتاقهای در بسته ساعتها طول می کشد. مدیران، اعضای شورایادر دست خود دارند. کارگران حتی به یکی از خواست های خود، که اضافه دستمزد بود، نائل نشده اند. از طرف مدیران اعلام شده که تا تعیین تکلیف طبقه بندی مشاغل، علی الحساب میلی می پردازیم تا در آینده وزارت کار در این مورد تصمیم بگیرد.

ساعات کار کارخانه نسبت به دوران رژیم گذشته افزایش یافته است. مدیران کارخانه ارج این فکر را تبلیغ می کنند که سرمایه داران و کارگران با هم «برادرند» و چرخ اقتصاد مملکت وقتی می چرخد که سرمایه دار وجود داشته باشد!

بقیه از صفحه ۳

دکتر سنجابی ...

مترقی روحانیت مبارز، به دبیر اول حزب ما لقب «آیت الله کیانوری» میدهد و بحساب خود می خواهد حزب ما را بباد مسخره و انتقاد بگیرد.

ولی حزب ما، با صولیت انقلابی، از سالهای ۱۳۴۲ به دفاع از امام خمینی و روحانیت مبارز در مقابل شاه و امپریالیسم برخاسته است. خوب است لااقل آقای دکتر سنجابی ضمیمه مردم را در باره «حزب توده ایران و جنبش ۱۵ خرداد - اسناد سخن می گویند» که ۱۲ خردادماه ۱۳۵۸ انتشار یافته است مطالعه کنند تا ببینند که این حقیقت را با هیچ اتهام و ناسازی نمی توان انکار کرد.

آقای دکتر سنجابی ۱ مردم ایران دیگر آن حد از رشد سیاسی رسیده اند، که بتوانند درست را از نادرست باز شناسند و دوست را از دشمن تشخیص دهند. توجه داشته باشید که با انکار حقیقت نمیتوان اعتبار سیاسی کسب کرد.

رویدادهای جهان

● سلاحهای امریکایی، مریک ویی خانمانی می آفریند

خبرنگاران مستقر در اردوگاههای فلسطینی ومحللات مسکونی صور اعلام کردند که توپخانه اسرائیل وشبه نظامیان مسیحی راستگرای «لبنانی» اردوگاههای فلسطینیها ومحللات مسکونی صور را بمباران کردند. این برای چهارمین روز متوالی است که این شهر آماج بمب وآتش قرار می گیرد ومهاجرت جمعی از آن در مدتی اندک به شصت هزار نفر بالغ شده است. خبرنگاران گزارش دادند که توپخانه اسرائیلیها ومسیحیان راستگرای لبنانی حتی نقاط واقع در بخش غربی جنوب لبنان را، که زیر نظارت نیروهای هلندی سازمان ملل متحد است زیر آتش گرفتند.

از طرف دیگر به گزارش خبرنگاران در دونا ناحیه از بخش مرکزی جنوب لبنان، بر اثر تیراندازیهای توپخانه اسرائیلیها ومسیحیان راستگرای، پنج نفر قتل رسیدند و در این بخش وناحیه غربی سیزده نفر زخمی شدند.

منابع فلسطینی در بیروت نیز اعلام کردند که توپخانه اسرائیل و راستگرایان مسیحی لبنان، یک اردوگاه آوارگان فلسطینی وشش روستای مرزی لبنان زاگلوله باران کردند.

یاسر عرفات در پیام تلگرافی فوری که برای پادشاهان و رؤسای جمهوری عرب فرستاد، از آنان خواست که مردم فلسطین ولبنان را در برابر تجاوزات گستاخانه ویی شرمانه اسرائیل مورد حمایت بیشتری قرار دهند.

عرفات در این پیام تأکید ورزید که اسرائیل در حملات چند روز اخیر، از آخرین سلاحهای امریکایی برای سوزاندن و ویران کردن شهرها و روستاهای لبنان استفاده کرده، تلفات سنگینی به فلسطینیها و لبنانیها وارد آورده است.

فؤاد بطرس، وزیر امور خارجه لبنان، شورای امنیت سازمان ملل متحد را، برای بررسی اوضاع جنوب لبنان، به تشکیل جلسه فراخواند. وی تأکید ورزید که کشتارها و ویرانگریهای متوالی اسرائیل در این ناحیه، تشکیل اجلاس شورای امنیت را ایجاب می کند.

لئونارد ماتیاس «رئیس کمیسیون تحقیق سازمان ملل در باره سرزمینهای تحت اشغال اسرائیل»، در دمشق اعلام کرد: «با آنکه اسرائیل به ما اجازه ورود به این سرزمینها را نداد، مادر و نواحی مجاور این سرزمینها از منابع رسمی، از گواهان عینی و از شخصیتها اطلاعاتی کسب کردیم.»

بگزارش خبرگزاری تاس، یک مقام وزارت امور خارجه سوریه، در نخستین اجلاس کمیسیون تحقیق، اقدامات غیرقانونی اسرائیل را در ارتفاعات جولان افشاء کرد. وی اعلام داشت که مقامات صهیونیست اسرائیل عده بیشماری از سکنه محلی این ارتفاعات را به ترک خانههای خود مجبور کرده اند، یا پس از تخریب خانههای ایشان، آبادیهای یهودی نشین در آنجا ساخته اند.

● یک مرکز دیگر توطئه تجاوز در خاورمیانه

خبرگزاری تاس اعلام کرد که سلطان قابوس ابن سعید، پادشاه عمان، بر اساس دستور از آن سوی اقیانوس اطلس، به اشاعه دروغهایی کهنه می پردازد و از جمله اعلام می کند که، شبه جزیره عربستان مطمح نظر اتحاد شوروی است.

لکن تاس ضمن افشاء هویت قابوس، که تنها پشتیبانی سادات خائن در جهان عرب است، تصریح کرد که وی بر سر نیزه های انگلیسی متکی است. تاس همچنین با استناد به مصاحبه یکی از رهبران جبهه خلق برای آزادی عمان با خبرگزاری فرانسه اعلام کرد که هم اکنون حدود هفت هزار سرباز مصری در عمان مستقر هستند.

از طرف دیگر خبرگزاری فرانسه یک توطئه امپریالیستی را، که در عمان و به مناسبتی سلطان قابوس، علیه خاورمیانه و پیرامون خلیج فارس طرح ریزی می شود، افشاء کرد. بگزارش این خبرگزاری، روزنامه الرأی العام، چاپ کویت، با استناد به مصاحبه سلطان قابوس با نشریه امریکایی «تایم»، که امریکارا به «حمایت» از خلیج فارس در برابر به اصطلاح «مداخله شوروی»، فخرآخوانده است، نوشت که اگر امریکادر خلیج مداخله کند برای حفظ سلطه فارتکرا نه خود بر چاههای نفت خواهد بود، نه پشتیبانی از این یا آن دولت، که امریکا در این رهگذر بارها ناتوانی خود را به ثبوت رسانده است.

● هندهم از توطئه های اسرائیل بی نصیب نمانده است

خبرگزاری تاس، با استناد به نوشته روزنامه «پاتریوت»، چاپ دهلی نو، گزارش داد که عمال سرویسهای جاسوسی اسرائیل زیر نقاب «جهانگردی» در هند نفوذ کرده اند و دست اندکار توطئه چینی در این کشور هستند.

پاتریوت نوشته است که جاسوسان اسرائیلی با عوامل سیاسی غرب و جنایتکاران تماس برقرار کرده اند و نخستین هدف آنها تحریک احساسات مردم هند به سود اسرائیل است. جاسوسان اسرائیلی امیدوارند که بتوانند رهبران هند را به ترک حمایت از مبارزه مردم فلسطین متقاعد سازند.

● پشتیبانی از مبارزه مردم نیکاراگوئه ابعادی جدید می یابد

خبرگزاری تاس اعلام کرد که جریکهای وطن پرست نیکاراگوئه در چند روز اخیر به مبارزه خود با رژیم خودکامه سوموزا گسترش بیشتر بخشیدند و چند ناوگان گارد به اصطلاح «ملی» نیکاراگوئه را، که مخلوق امپریالیستهای امریکایی است، در شهرهای مختلف مورد حمله قرار دادند. گزارشهای رسیده به کوبا حاکی از آن است که جبهه ملی آزادیبخش نیکاراگوئه در نواحی شهری و روستایی به تعرض گسترده ای دست زده اند. اخیراً یکی از رهبران جریکها در مصاحبه ای با لجنی مطمح گفت: «پیروزی نهایی وطن پرستان نزدیک است.» وی سپس تأکید ورزید: «اگر مقامات مرتجع امریکای مرکزی برای جنگ با مردم وطن پرست نیکاراگوئه ارتش اعزام کنند، سرانجام این ارتش را نیز شکست خواهیم داد.»

خبرگزاری فرانسه در تفسیر هفتگی خود اعلام کرد که رؤسای پنج کشور عضو پیمان آند، یعنی بولیوی، کلمبیا، اکوادور، پرو و ونزوئلا که در کارتاژن (کلمبیا) گرد آمده بودند، رژیم سوموزارا، که صلح را در قاره امریکا تهدید می کند، بشدت محکوم کردند. از طرف دیگر، دو کشور مکزیک و کوستاریکا نیز خواستار اتخاذ تدابیر وتصمیمات جمعی علیه رژیم سوموزا شدند و جبهانیان را به همبستگی بین المللی بسود مردم نیکاراگوئه فراخواندند.

به گزارش خبرگزاری تاس بیش از سی هزار تن از مردم مکزیک بعنوان اعلام همبستگی با مبارزه مردم نیکاراگوئه علیه رژیم خودکامه سوموزا تظاهراتی ترتیب دادند. رهبر یکی از احزاب چپگرای مکزیک در خلال سخنرانی خود اعلام کرد که، کارگران و کشاورزان مکزیک از تصمیم رئیس جمهوری این کشور درباره قطع روابط سیاسی با رژیم استبدادی نیکاراگوئه پشتیبانی می کنند.

آیا فقط کسانی که ...

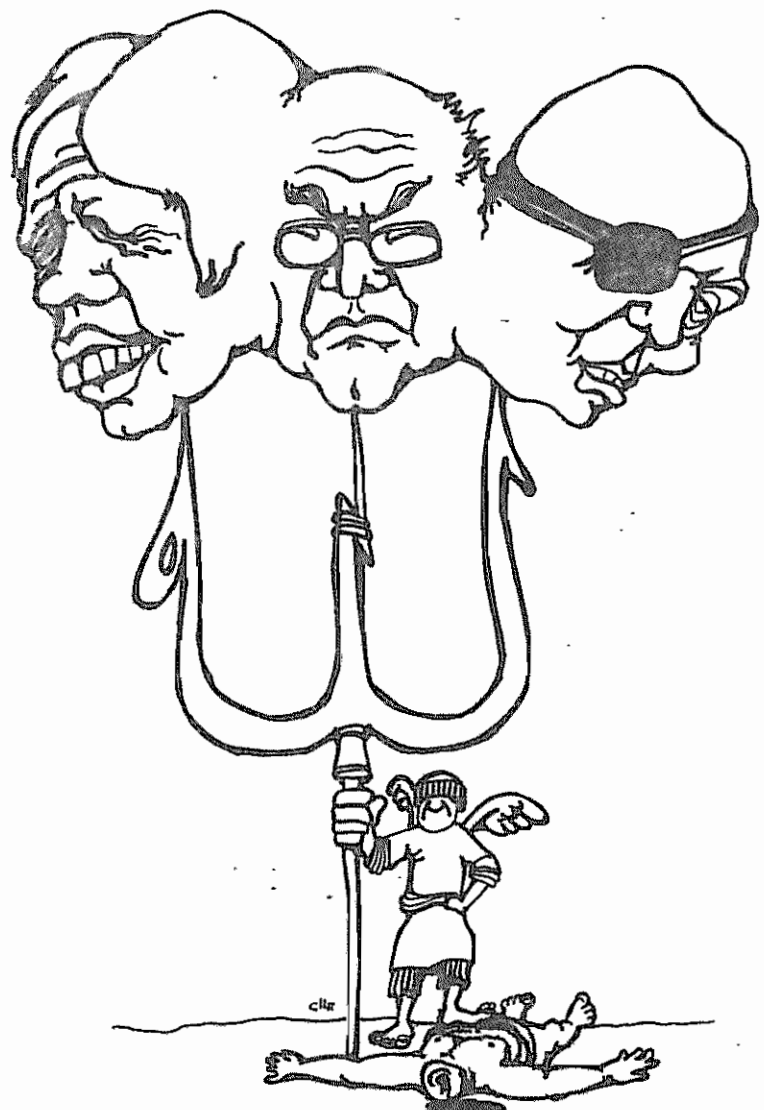
و رواج فساد و تباهی است، که در سایه آن جنایات این خیانت بزرگ را بانجام رسانده است. رژیم سابق برای اعمال سیاست خائنانه خود، عوامل و ابزارهای در اختیار داشته، که مجریان بلافضل این سیاست تبهارانه بوده اند، در این عرصه با ارادت و اخلاص عمل کرده، بانواع خوش رقصی ها دست زده و مردم و حقوق آنانرا بسخره گرفته اند.

اکنون که انقلاب پیروز شده و دادگاه عدل خلق برپاست، مردم می خواهند که همه این عوامل و ابزار، بر حسب شدت وضعف جرم خود، مجازات شوند. اما متأسفانه کسانی، حتی در میان مقامات عالی رتبه مسئول، در حقانیت این دادگاهها ابراز تردید میکنند و بی دردی بذر بی اعتمادی می افشانند. آقای مهندس بازرگان نخست وزیر از اینهمه پا را فراتر نهاده و اقدام بجای اصولی دادگاهها را در کیف متجاوزان بحقوق مردم، به «انتقام» تعبیر کرده و هشدار میدهد که «انتقام دیگر بی اثر است، بحد کافی انتقام گرفتیم» مخالفان دادگاههای انقلابی چنین استدلال میکنند که فقط کسانی باید مجازات شوند که مستقیماً دست به شکنجه و آدمکشی زده اند و در مورد بقیه باید عفو عمومی اعلام شود در حالیکه این معیار با گفته امام خمینی است که مجازات تمام مجرمان را بر حسب میزان جرمشان به دادگاهها توصیه کرده است.

قانون انقلاب حکم میکند که ضد انقلاب، در هر کسوتی بشدت سرکوب شود، تا نتواند راه بر رشد و بالندگی انقلاب ببیند. عدالت انقلابی اقتضا دارد که خائنان به همین و منافع خلق کیفر ببینند تا دیگر کسی جرأت نکند چنین آسان مصالح کشور و مردم خود را فدای بیگانه کند: قانون انقلاب، کیفر دادن به مجرمان و خائنان را «عدالت انقلابی» نام می نهد و نه «انتقام». بنا بر این فریاد «انتقام بس است» آقای نخست وزیر با هیچیک از معیارهای انقلاب تطبیق نمیکند. هنوز هزاران نفر از سرسپردگان و خادمان رژیم سابق و امپریالیسم پهنکه عدالت نیفتاده اند، نمایندگان و سنا تورها، وزیران و نخست وزیران سابق در اکثریت مطلق خود فراری اند. مسئولان موسسات دولتی و نظامی، و مهمتر از همه هزاران ساواکی که از ارکان اصلی رژیم بوده اند، گم و گورند. بنا بر این چگونه میتوان با اعلام عفو عمومی، این جنایتکاران و خائنین را از چنگال عدالت رهانید و آنرا بخلط و ضرورت، دوران بس از انقلاب نام نهاد؟

در نبرد انقلابی دشواری که میان انقلاب و ضد انقلاب درگیر است و روز بروز هم حادتر میشود، اگر ضد انقلاب را با همه نیرو و توان خلق تکوینیم، این نبرد را باخته ایم. اگر ما آنها را رژیم، آنها ما را میزنند، همچنانکه در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پیش آمد و ۲۵ سال تمام تاوان آنرا پرداختیم. چنانکه بدفعات یاد آور شده ایم، ما مدعی نیستیم که همه مجرمان رژیم سابق، باید اعدام شوند ولی معتقدیم که هر کس بر حسب جرمش باید مجازات شود و تعیین مجازات در صلاحیت دادگاههای انقلاب است و لاغیر، اما این استدلال که فقط کسانی مجرمند که مستقیماً دست در کشتار و شکنجه مردم داشته اند و بقیه را باید مشمول عفو عمومی کرد، بهیچروی پذیرفته نیست.

پس از جنگ دوم جهانی، جنایتکاران جنگ، که افکار عمومی جهان آنانرا مجازات کرد، تنها کسانی نبودند که مستقیماً در عرصه نبرد بکشتار پرداخته و یازانان و کودکان و مردان را طعمه کوره های آدم سوزی کرده بودند، بلکه همه آنهائی که جنگ را تبلیغ کرده، برپا ساخته، همه آنهائی که متحرک و مؤسس کوره های آدم سوزی بودند و آئین شکنجه و فشار و قتل را در زندانهای آشوبی، داخو، بوخن و والد و دهها زندان دیگر فاشیستها برقرار ساخته بودند، جزو جنایتکاران جنگ بحساب آمدند و



جرم خیانت هم اعدام است!

مجا که محکوم شدند، ولو آنکه خود درنگ جبهه جنگ را ندیده و یا بدون زندانها نکذاشته بودند.

اگر عدالت حکم میکند که پاسان و سربازی که بروی مردم بیگناه آتش گشوده و آنانرا کشتار کرده، تیر باران شود، همین حکم در مورد آمرین این کشتارها، در هر لباس و مقامی که باشند: شاه، نخست وزیر، وزیر، وکیل، فرمانده نظامی، استنادار و فرماندار و مامور ساواک و غیره نیز جاری است. آیا میتوان مهندس ریاضی ها، عباس خلعتبری ها، کیان پورها و القانیان هارا مستحق اعدام ندانست، بدلیل آنکه مستقیماً آدم نکشته اند، اینان، هم با سکوت و هم با عمل خود، در جنایات و خیانتهای رژیم شریک بوده اند. اینان نقشه های امپریالیسم را در میهن ما پیاده کرده و بر آن صحنه

کذا کرده اند، یعنی مرتکب بزرگترین خیانت به کشور و مردم خود شده اند. نه تنها مجازات جنایت تیر باران است، بلکه کیفر خیانت هم تیر باران است و بنا بر این تکیه بر «تندروی» دادگاهها، که آقای نزیه و دیگران تکرار میکنند، جز بی اعتبار ساختن احکام پیشون دادگاههای انقلاب، که از عدالت محض مایه گرفته است، حاصلی ندارد. و این چه بخواهیم و چه نخواهیم، مورد سوء استفاده ضد انقلاب قرار میگیرد، چنانکه هم اکنون گرفته است.

مسامحه و عدم قاطعیت، خطی مریک انقلاب و سلطه ضد انقلاب را در بر دارد. کاری نکنیم که باردیگر دشمنان بر میهن ما چیره شوند.

بقیه از صفحه ۱

دعوت عام ...

ما به همه اعضاء، هواداران و دوستان حزب و عناصر مترقی و ضد امپریالیست، که به ندای حزب ما گوش قبول فرا داده و در راهیهای روز ۱۵ خرداد ۱۳۵۸ شرکت خواهند ورزید، هشدار میدهیم که در مقابل انواع تحریکات ضد انقلاب در پرده و پیرده، که در آن روز انجام خواهد گرفت، حد اعلاي خونسردی و منات و بصارت خود را حفظ کنند. طبیعی است که کسانی خواهند کوشید بنام «اسلام» در این تظاهرات شعارها و روشهای اخلاک ترانه خود را وارد کنند. در مقابل این افراد باید با هشیاری و بیداری سیاسی عمل کرد و به مفسده چوئی میدان نداد.

اقدام حزب ما برای شرکت در نمایش پانزده خرداد ۱۳۵۸، همراه دیگر نیروهای اسلامی هوادار امام خمینی، یکی دیگر از نمودارهای سیاست خردمندانه این حزب در تقویت وحدت صفوف انقلابیون ایران علیه امپریالیسم و دست نشانگان آنست.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۹ خرداد ۱۳۵۸

در نمایشگاه شهیدان راه آزادی و استقلال ایران

هفته‌ها یکی پس از دیگری می‌گذرد و امروز آخرین روزی است که می‌توان از نمایشگاه شهیدان، واقع در دانشگاه صنعتی، دیدار بعمل آورد. این هفته‌ها نشانی است از آن رابطه عمیق قلبی و عاطفی و عقلی که هزاران بازدیدکننده را با سرداران نبرد ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ما بهم پیوند می‌دهد و صحنه‌های پرشوری از ملاقات‌نسل‌کنونی مبارزان را با آنها که جان‌در راه آرمان والای خویش نهادند، می‌آفریند.

جوانان پرشور و مبتکری که نقش عمده را در دربار و سازمان این نمایشگاه پهنه داشتند، ضمناً از بازدیدکنندگان ملی روزهای اخیر پرسشهایی را مطرح کرده‌اند که پاسخ مردم به آنها، از زن و مرد، دانشجو و کارگر، مسلمان و بازاری، سالخورده و نوجوان، بسیار با اهمیت و آموزنده است.

یکی از پرسشهایی که جوان مامور در نمایشگاه مطرح می‌کرد، این بود: آیا شما با شهدایی که عکسشان در نمایشگاه است، نسبتی دارید؟ عین برخی از پاسخها را نقل می‌کنیم و گمان می‌کنیم که نیاز بهیح تفسیری نباشد:

— نسبت بخصوصی ندارم، ولی چه فرق می‌کند؟

— با وارطان و شوشتی آشنا بودم.

— نسبت، بمعنای رابطه خانوادگی ندارم، ولی چه از نظر میهنی و چه از نظر اینکه امیدوارم راه آنها باشد، احساس می‌کنم نسبت بسیار نزدیکی دارم.

— اینها ایرانی‌اند و منم ایرانی، اینها برای ایران شهید شدند و برای خلق ایران و منم یک ایرانی هستم.

— من فکر می‌کنم تمام مردم ایران با اینها نسبت دارند.

سؤال دیگر دوست جوان ما، که نتایج مصاحبه‌هایش را برای «مردم» فرستاده، این بود: آیا صحبتی دارید با گروه‌های دیگری و افراد در باره جنبه متحد علیه امپریالیسم؟ پاسخهایی که باین مسئله بسیار حاد و حساس کنونی جامعه ما داده شده، بسی آموزنده است:

— بنظر من باید بدون تمصب و با دیدی منطقی اختلافات را کنار بگذارند و نقطه نظرهای مشترک را بگیرند.

— تنها از طریق متشکل شدن در جنبه متحد خلق می‌توان به نتیجه خوب در انقلاب رسید.

— در درجه اول وحدت کلمه داشته باشند. این بتفخ خلق است.

هفته‌ها یکی پس از دیگری می‌گذرد و امروز آخرین روزی است که می‌توان از نمایشگاه شهیدان، واقع در دانشگاه صنعتی، دیدار بعمل آورد. این هفته‌ها نشانی است از آن رابطه عمیق قلبی و عاطفی و عقلی که هزاران بازدیدکننده را با سرداران نبرد ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ما بهم پیوند می‌دهد و صحنه‌های پرشوری از ملاقات‌نسل‌کنونی مبارزان را با آنها که جان‌در راه آرمان والای خویش نهادند، می‌آفریند.

جوانان پرشور و مبتکری که نقش عمده را در دربار و سازمان این نمایشگاه پهنه داشتند، ضمناً از بازدیدکنندگان ملی روزهای اخیر پرسشهایی را مطرح کرده‌اند که پاسخ مردم به آنها، از زن و مرد، دانشجو و کارگر، مسلمان و بازاری، سالخورده و نوجوان، بسیار با اهمیت و آموزنده است.

یکی از پرسشهایی که جوان مامور در نمایشگاه مطرح می‌کرد، این بود: آیا شما با شهدایی که عکسشان در نمایشگاه است، نسبتی دارید؟ عین برخی از پاسخها را نقل می‌کنیم و گمان می‌کنیم که نیاز بهیح تفسیری نباشد:

— نسبت بخصوصی ندارم، ولی چه فرق می‌کند؟

— با وارطان و شوشتی آشنا بودم.

— نسبت، بمعنای رابطه خانوادگی ندارم، ولی چه از نظر میهنی و چه از نظر اینکه امیدوارم راه آنها باشد، احساس می‌کنم نسبت بسیار نزدیکی دارم.

— اینها ایرانی‌اند و منم ایرانی، اینها برای ایران شهید شدند و برای خلق ایران و منم یک ایرانی هستم.

— من فکر می‌کنم تمام مردم ایران با اینها نسبت دارند.

سؤال دیگر دوست جوان ما، که نتایج مصاحبه‌هایش را برای «مردم» فرستاده، این بود: آیا صحبتی دارید با گروه‌های دیگری و افراد در باره جنبه متحد علیه امپریالیسم؟ پاسخهایی که باین مسئله بسیار حاد و حساس کنونی جامعه ما داده شده، بسی آموزنده است:

— بنظر من باید بدون تمصب و با دیدی منطقی اختلافات را کنار بگذارند و نقطه نظرهای مشترک را بگیرند.

— تنها از طریق متشکل شدن در جنبه متحد خلق می‌توان به نتیجه خوب در انقلاب رسید.

— در درجه اول وحدت کلمه داشته باشند. این بتفخ خلق است.

هفته‌ها یکی پس از دیگری می‌گذرد و امروز آخرین روزی است که می‌توان از نمایشگاه شهیدان، واقع در دانشگاه صنعتی، دیدار بعمل آورد. این هفته‌ها نشانی است از آن رابطه عمیق قلبی و عاطفی و عقلی که هزاران بازدیدکننده را با سرداران نبرد ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ما بهم پیوند می‌دهد و صحنه‌های پرشوری از ملاقات‌نسل‌کنونی مبارزان را با آنها که جان‌در راه آرمان والای خویش نهادند، می‌آفریند.

جوانان پرشور و مبتکری که نقش عمده را در دربار و سازمان این نمایشگاه پهنه داشتند، ضمناً از بازدیدکنندگان ملی روزهای اخیر پرسشهایی را مطرح کرده‌اند که پاسخ مردم به آنها، از زن و مرد، دانشجو و کارگر، مسلمان و بازاری، سالخورده و نوجوان، بسیار با اهمیت و آموزنده است.

یکی از پرسشهایی که جوان مامور در نمایشگاه مطرح می‌کرد، این بود: آیا شما با شهدایی که عکسشان در نمایشگاه است، نسبتی دارید؟ عین برخی از پاسخها را نقل می‌کنیم و گمان می‌کنیم که نیاز بهیح تفسیری نباشد:

— نسبت بخصوصی ندارم، ولی چه فرق می‌کند؟

— با وارطان و شوشتی آشنا بودم.

— نسبت، بمعنای رابطه خانوادگی ندارم، ولی چه از نظر میهنی و چه از نظر اینکه امیدوارم راه آنها باشد، احساس می‌کنم نسبت بسیار نزدیکی دارم.

— اینها ایرانی‌اند و منم ایرانی، اینها برای ایران شهید شدند و برای خلق ایران و منم یک ایرانی هستم.

— من فکر می‌کنم تمام مردم ایران با اینها نسبت دارند.

سؤال دیگر دوست جوان ما، که نتایج مصاحبه‌هایش را برای «مردم» فرستاده، این بود: آیا صحبتی دارید با گروه‌های دیگری و افراد در باره جنبه متحد علیه امپریالیسم؟ پاسخهایی که باین مسئله بسیار حاد و حساس کنونی جامعه ما داده شده، بسی آموزنده است:

— بنظر من باید بدون تمصب و با دیدی منطقی اختلافات را کنار بگذارند و نقطه نظرهای مشترک را بگیرند.

— تنها از طریق متشکل شدن در جنبه متحد خلق می‌توان به نتیجه خوب در انقلاب رسید.

— در درجه اول وحدت کلمه داشته باشند. این بتفخ خلق است.

هفته‌ها یکی پس از دیگری می‌گذرد و امروز آخرین روزی است که می‌توان از نمایشگاه شهیدان، واقع در دانشگاه صنعتی، دیدار بعمل آورد. این هفته‌ها نشانی است از آن رابطه عمیق قلبی و عاطفی و عقلی که هزاران بازدیدکننده را با سرداران نبرد ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ما بهم پیوند می‌دهد و صحنه‌های پرشوری از ملاقات‌نسل‌کنونی مبارزان را با آنها که جان‌در راه آرمان والای خویش نهادند، می‌آفریند.

جوانان پرشور و مبتکری که نقش عمده را در دربار و سازمان این نمایشگاه پهنه داشتند، ضمناً از بازدیدکنندگان ملی روزهای اخیر پرسشهایی را مطرح کرده‌اند که پاسخ مردم به آنها، از زن و مرد، دانشجو و کارگر، مسلمان و بازاری، سالخورده و نوجوان، بسیار با اهمیت و آموزنده است.

یکی از پرسشهایی که جوان مامور در نمایشگاه مطرح می‌کرد، این بود: آیا شما با شهدایی که عکسشان در نمایشگاه است، نسبتی دارید؟ عین برخی از پاسخها را نقل می‌کنیم و گمان می‌کنیم که نیاز بهیح تفسیری نباشد:

— نسبت بخصوصی ندارم، ولی چه فرق می‌کند؟

— با وارطان و شوشتی آشنا بودم.

— نسبت، بمعنای رابطه خانوادگی ندارم، ولی چه از نظر میهنی و چه از نظر اینکه امیدوارم راه آنها باشد، احساس می‌کنم نسبت بسیار نزدیکی دارم.

— اینها ایرانی‌اند و منم ایرانی، اینها برای ایران شهید شدند و برای خلق ایران و منم یک ایرانی هستم.

— من فکر می‌کنم تمام مردم ایران با اینها نسبت دارند.

سؤال دیگر دوست جوان ما، که نتایج مصاحبه‌هایش را برای «مردم» فرستاده، این بود: آیا صحبتی دارید با گروه‌های دیگری و افراد در باره جنبه متحد علیه امپریالیسم؟ پاسخهایی که باین مسئله بسیار حاد و حساس کنونی جامعه ما داده شده، بسی آموزنده است:

— بنظر من باید بدون تمصب و با دیدی منطقی اختلافات را کنار بگذارند و نقطه نظرهای مشترک را بگیرند.

— تنها از طریق متشکل شدن در جنبه متحد خلق می‌توان به نتیجه خوب در انقلاب رسید.

— در درجه اول وحدت کلمه داشته باشند. این بتفخ خلق است.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

هموطنان! رفقا و دوستان! حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به تأکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به‌خاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه ما در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله به قدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است. فداکاری‌های اعضا، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرور انگیز است. اکنون نیز ما اطمینان داریم که اعضا، هواداران، دوستان و همه کسانی که به پیروزی نهایی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقه‌مندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند.

کمک مالی را می‌توان مستقیماً به دفتر حزب داد و یا با تلفن ۹۴۳۵۷۳۸، ۹۴۳۴۵۹۹ - آمادگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این علاقه‌مندان می‌توانند کمک مالی خود را به حساب بانکی زیرین بپردازند:

حساب بانکی به نام تقی کی‌منش و به شماره ۳۴۴۳، شعبه ۶۱۸ بانک ملی ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسن قاضی (ایران نوین سابق).

توطئه امپریالیسم

بقیه از صفحه ۱

ایران و حق آنها برای تعیین سرنوشت خویش، امپریالیسم، که در دوران آقایی خود در ایران، توسط رژیم شاه مخلوع، هر گونه حقیقتی خلقی‌های ایران را بی‌رحمانه با سم «تجزیه طلبی» سرکوب میکرد، حالا زیر همین نقاب، دست به آشوب و توطئه می‌زند. امپریالیسم با شایعه پراکنی چنین وانمود می‌کند که ملیت‌های ایران، در ایران انقلابی، از هیچ حقیقتی برخوردار نخواهند بود. خاموشی دولت در این باره، به تمویق افتادن انشراحانون اساسی جدید هم زمینه را برای گسترش شایعه و دامن زدن به آن آماده میکند و باین ترتیب هر چند گاه یکبار در گوشه‌ای از ایران آتش جنگ و برادر کشی افروخته میشود.

وقایع حاد ایران، بداند پیروزی انقلاب، اغلب از همین سرچشمه آمیخته خورد، کردستان، گنبد، نطنز و اکنون خوزستان، به بهانه حقیقت ملیت‌ها، به آتش و خون کشیده شده است. نگاهی به جزئیات ماجرا، که کم و بیش از طریق روزنامه‌های خبری به اطلاع مردم رسیده، نشان دهنده این واقعیت است که این بار توطئه در خوزستان انجام گرفته است.

امپریالیسم یانکی، که انقلاب شکوهمند مردم ما مواضع آنرا در ایران درهم شکسته، اکنون با تمام نیرو و در همه جا بویژه در خوزستان سرگرم فعالیت است. از آنجا که نیروهای مسلح خلقی که در اکثریت خود زیر پرچم امام خمینی متحد هستند، راه هر کودتایی را بر امپریالیسم بسته‌اند. دشمن در کار ایجاد شکاف بین نیروهای مختلف و رودر رو قراردادن آنهاست. تشدید چنین وضعی،

تضادهای فرعی را جانشین تضاد عمده جامعه، یعنی مبارزه ضد امپریالیستی میکند و با پراکنده کردن صفوف متحد مردم، راه را برای نفوذ امپریالیسم باز میکند. امپریالیسم در خوزستان هم چنین هدفی دارد، بسا اضافه اینکه در صورت گسترش اختلاف در این استان و سرایت آن به صفوف کارگران نفت، در کار تولید نفت هم اختلال و در نتیجه اقتصاد دمکت دچار بحران جدی میشود.

واقعیت توطئه امپریالیسم را در خرمشهر تیمسار مدنی، اساتید ارخوزستان، با اعلام اینکه «در این استان عرب و عجم رو بروی هم نیستند، این امپریالیسم است که دست به توطئه زده» افشاء کرد و سخنگوی آیت الله شبیر خاقانی هم گفت: «می‌گویند گروهی اخلاک‌گرا ساواکی‌اند آشوب می‌کنند، ما هم قبول داریم، چون این یک واقعیت است»، علاوه بر اینها

تضادهای فرعی را جانشین تضاد عمده جامعه، یعنی مبارزه ضد امپریالیستی میکند و با پراکنده کردن صفوف متحد مردم، راه را برای نفوذ امپریالیسم باز میکند. امپریالیسم در خوزستان هم چنین هدفی دارد، بسا اضافه اینکه در صورت گسترش اختلاف در این استان و سرایت آن به صفوف کارگران نفت، در کار تولید نفت هم اختلال و در نتیجه اقتصاد دمکت دچار بحران جدی میشود.

واقعیت توطئه امپریالیسم را در خرمشهر تیمسار مدنی، اساتید ارخوزستان، با اعلام اینکه «در این استان عرب و عجم رو بروی هم نیستند، این امپریالیسم است که دست به توطئه زده» افشاء کرد و سخنگوی آیت الله شبیر خاقانی هم گفت: «می‌گویند گروهی اخلاک‌گرا ساواکی‌اند آشوب می‌کنند، ما هم قبول داریم، چون این یک واقعیت است»، علاوه بر اینها

خاطره یک رفیق شهید، یا صداقت در امانت، یا گرامیداشت یاد پسر، یا وفاداری بیک اصل راهنمای اخلاقی، در زندگی مقولاتی هستند که هرگز بهیچ نوع نمیتوانند با رقم و عدد و یا بطریق اولی با پول مقایسه شوند. ولسی گاه اتفاق می‌افتد که بتوان مظهر و نحوه‌ای، یک رقم یا یک کمک مالی، میتواند حقیقتی بزرگ را نشان دهد، به آنکه آنرا ارزیابی کند و برابر نهد، بلکه تنها آنرا در قلب و در مغز زنده کند، محرکی و مشوقی باشد برای ادامه راه. «مردم» با چند نمونه از این رابطه شمارا آشناسازد.

— زمستان سال ۵۵ بود که رفیق حسین پرورش، عضو گروه منشعب از چریکهای فدائی خلقی، که راه حزب توده ایران را برگزیده بود، در یک درگیری نا برابری، در خیابان قزوین، پل امامزاده معصوم، بدست عمال جاسوسی ساواک شاه سابق به شهادت رسید. حسین پرورش در رودس، در خانواده یک فرهنگی تولد یافته بود و دبیرستان را در قزوین به پایان برده و فارغ التحصیل مهندسی شیمی از دانشگاه و از سازماندهندگان کوهنوردی دانشگاه بود. وی دوره آسبازی را در نظر آباد گذرانده و در آسبک معلم ده بود و از محبوبیتی بسی نظیر بین همه مردم برخوردار. او در سیمان آسبک کار میکرد. مسعود برادر کوچکتر حسین پرورش در زمستان ۵۴ شهید شده بود. و خود حسین، در تابستان ۵۴، ناچار زندگی مخفی اختیار کرد تا بتواند در مقابل عمل رژیم دست نشانده و استبدادی بر زمین، ابراه درست رژیم را یافت و بسوی حزب طبقه کارگر آمد و با جمعی از دوستان خود، گروه منشعب از چریکهای فدائی خلقی را تشکیل داد و بجاده نبرد اصولی توده‌ای گام نهاد. ولی جلادان رژیم با چندین مجالی ندادند

تا همه انرژی جوشان و استعداد بزرگ سازماندهی را در خدمت خلق و میهن بکار بندد، و در زمستان ۵۵ او را بقتل رساندند.

حسین پرورش هر چاکه رفته و مانده و کار کرده و فعالیت سیاسی نموده بود، از سر باز خانه تادانشگاه، از دبیرستان تا کارخانه، و همچنین در میان کوهنوردان دانشجویی خانواده‌های دهقان، که او را بهترین و دلسوترین معلم فرزندان خود میدانستند و مدرسه‌ایر بنامش کرده‌اند و البته در میان همفکران و هم‌زمان صدیق و از جان گذشته‌اش، که هنوز هم وقتی نام او را می‌شنوند، عقده‌های در گلو حس میکنند و مشت خود را بسختی می‌فشارند، به شدت محبوب بود. این خاطره و یاد را با هیچ چیز نمیتوان برابر نهاد. عده‌ای از دوستان و نزدیکان حسین پرورش، بیاد دوست خود مبلغ پانصد هزار ریال گرد آورده و به حزب پرورشها داده‌اند این عمل نه فقط کمک مهم مالی است بلکه زنده کردن یاد شهید هم است، تحکیم عهد خود با خاطره دوست است و ایمان باین حقیقت هم است، که اگر حسین پرورش امروز هم در میان ما بود، دوستانش را به اجرای این وظیفه نیز دعوت میکرد.

— یک رفیق حزبی، قبل از ۲۸ مرداد ۳۲، در منزل خود اطاقی را در اختیار حزب قرار داده بود تا مورد استفاده رفقای نیازمند قرار گیرد. در این اتاق، بعد از ۲۸ مرداد نیز رفقای که زندگی مخفی داشتند، مدتی زندگی کرده بودند. اثاثیه بسیار محقر اتاق، یعنی رختخوابی و زیلوئی و نظایر آن متعلق به حزب بود. پس از مدتی، بسبب شرایط سخت فاشیستی آن زمان و قطع ارتباطات، این اتاق بلااستفاده ماند. رفیق صاحب خانه، اثاثیه اتاق را بمبلغ یک هزار ریال می‌فروشد... و امروز، ۲۵



پوستر فوق را، رضا اولیاء هنرمند تهرنی، به مردم و خوانندگان هدیه کرده است.

تضادهای فرعی را جانشین تضاد عمده جامعه، یعنی مبارزه ضد امپریالیستی میکند و با پراکنده کردن صفوف متحد مردم، راه را برای نفوذ امپریالیسم باز میکند. امپریالیسم در خوزستان هم چنین هدفی دارد، بسا اضافه اینکه در صورت گسترش اختلاف در این استان و سرایت آن به صفوف کارگران نفت، در کار تولید نفت هم اختلال و در نتیجه اقتصاد دمکت دچار بحران جدی میشود.

واقعیت توطئه امپریالیسم را در خرمشهر تیمسار مدنی، اساتید ارخوزستان، با اعلام اینکه «در این استان عرب و عجم رو بروی هم نیستند، این امپریالیسم است که دست به توطئه زده» افشاء کرد و سخنگوی آیت الله شبیر خاقانی هم گفت: «می‌گویند گروهی اخلاک‌گرا ساواکی‌اند آشوب می‌کنند، ما هم قبول داریم، چون این یک واقعیت است»، علاوه بر اینها

سال بعد از آن، وی این مبلغ را، که ربع قرن نزد خود بامانت نگهداشته بود، می‌آورد و بسندوق حزب تحویل میدهد. بیست و پنج سال تمام، نه فقط «مال» حزب، که بسی محقر و ناچیز بود، بلکه «خود حزب» در نزد این رفیق بامانت بود و او این امانت را نگهداشت؛ امانت تعلق به حزب را علیرغم همه توطئه‌ها و توهین‌ها و اتهامات، وفاداری و صداقت نسبت براهی که بآن اعتقاد داشت، نزد او بامانت بود، و او این امانت را حفظ کرد. مبلغ پرداختی البته اهمیت خود را دارد، ولی معادل معنوی و معنای سیاسی آنست که تمام ابعاد و اهمیت این عمل و نظایر آنرا نشان میدهد.

سال بعد از آن، وی این مبلغ را، که ربع قرن نزد خود بامانت نگهداشته بود، می‌آورد و بسندوق حزب تحویل میدهد. بیست و پنج سال تمام، نه فقط «مال» حزب، که بسی محقر و ناچیز بود، بلکه «خود حزب» در نزد این رفیق بامانت بود و او این امانت را نگهداشت؛ امانت تعلق به حزب را علیرغم همه توطئه‌ها و توهین‌ها و اتهامات، وفاداری و صداقت نسبت براهی که بآن اعتقاد داشت، نزد او بامانت بود، و او این امانت را حفظ کرد. مبلغ پرداختی البته اهمیت خود را دارد، ولی معادل معنوی و معنای سیاسی آنست که تمام ابعاد و اهمیت این عمل و نظایر آنرا نشان میدهد.

- از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم همراه ۱۰۰۰ ریال
- خداورد ۲۳۰۰ ریال
- فریده گوهری از شیراز ۱۰۰۰۰ ریال
- دوست کارگر از شیراز ۲۰۰۰ ریال
- زندگی از تهران ۵۰۰ ریال
- قائد از شیراز ۱۰۰۰۰ ریال
- مزدک از کازرون ۱۰۲۰۰ ریال
- آرش از شیراز ۲۰۰۰۰ ریال
- دوست ۱۷۶، از شیراز ۲۰۰۰ ریال
- روزبه کوچک از شیراز ۲۰۰۰ ریال
- بچه‌های پل سیمان ۶۵۰۰ ریال
- ویک روزبه کوچک دیگر از تهران
- با چند خطی که خود نوشته است ۱۵۰۰ ریال
- روزبه ۱۲ ساله ۱۰۰۰ ریال
- علی‌اصغر مقدم ماهری ۱۰۰۰۰ ریال
- جمعی از رفقا توسط مقدم ماهری ۱۶۰۰ ریال
- وارطان ۲۰۰۰۰ ریال

بمناسبت ۱۵ خرداد که عزای عمومی اعلام شده است روزنامه مردم بجای چهارشنبه روز پنجشنبه منتشر می‌شود

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق